



سیر تحول برنامه ریزی اقتصاد فضایی

- اصول برنامه‌ریزی اقتصاد فضایی
(برنامه‌ریزی آمایش سرزمین)
- فعالیت‌های خاص در مکان‌های خاص
- روابط فضایی فرایندهای تولید و مصرف
- انسان و محیط‌زیست
- برنامه‌ریزی فضایی از دیدگاه اتحادیه اروپایی و نقد
کارشناسانه‌ی آن
- راهکارهای تعدیل رویکرد و تغییر ساختاری برنامه‌ی
توسعه‌ی فضایی اروپا

نشریه شماره ۱۳۷، پاییز ۱۳۹۱





به نام خداوند جان و خرد

آدرس: تهران، خیابان آفریقا، نرسیده به
چهارراه جهان کودک، کوچه سپر غربی، پلاک ۲۶
کدپستی: ۱۵۱۸۶۴۳۳۳۵

info@rahshahr.com
www.rahshahr.com

تلفن: ۸۸۷۸۲۲۰۰
دورنگار: ۸۸۲۰۲۶۹۳

شماره سند: 01 09653 O PB 0137 00

یکصد و سی و هفتمین نشریه علمی، فنی و مهندسی
آدرس وبسایت نشریات
<http://bulletins.rahshahr.com>

فهرست

- ۴ • مقدمه
- ۷ • اصول برنامه‌ریزی اقتصاد فضایی
- ۹ • آیین منشور آتن
- ۱۱ • فعالیت‌های خاص در مکان‌های خاص
- ۱۳ • روابط فضایی فرایندهای تولید و مصرف
- ۱۶ • انسان و محیط‌زیست
- ۱۷ • پیوستگی عناصر انگاره‌های فضایی
- برنامه‌ریزی فضایی از دیدگاه اتحادیه اروپایی و نقد کارشناسانه آن
- ۱۹ • اصول توسعه فضایی پیشنهاد شده برای قاره اروپا
- ۲۰ • هدف‌های اجرایی سند توسعه‌ی فضایی و سند برنامه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای اروپا
- ۲۲ • راهکار تعدیل رویکرد و تغییر ساختاری برنامه‌ی توسعه‌ی فضایی اروپایی
- ۳۰

ناشر

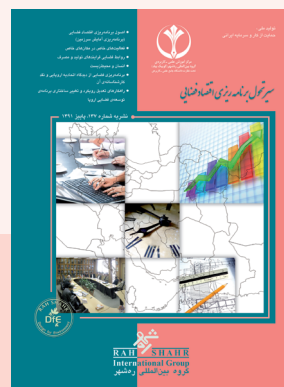
مرکز آموزش علمی- کاربردی
گروه بین‌المللی ره‌شهر (کوییک بیلد)

پژوهش و نگارش

قاسم خلیل‌زاده رضایی

امور هنری

آوا ذاکری فردی
زینب موسوی صالح



سخنی با خوانندگان

گروه بین‌المللی ره‌شهر، که به‌عنوان یکی از مهندسان مشاور چند رشته‌ای طی دو دهه‌ی اخیر توسعه‌ی درون‌زای خود را بر اساس نیازهای سطح ملی و همچنین نیازهای فرامرزی توسعه و بالندگی به‌صورت تکاملی پیموده و گرایش‌های تخصصی خویش را به همه‌ی بخش‌های اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی تعمیم داده است، توجه ویژه به "برنامه‌ریزی توسعه" را در دستور کار و وجهه همت خود قرار داده است.

خدای را سپاس می‌گوییم که این مشاور با بر خورداری از تجربه‌های ارزشمند کادر توانمند خود و برنامه‌ریزان با تجربه‌ی خویش تاکنون توانسته است با پرداختن به پژوهش‌های ژرف داوطلبانه در عرصه‌ی برنامه‌ریزی توسعه و انتشار و توزیع محصول و دستاورد این گونه تحقیقات در گستره‌ی کشور، مأموریت خود را به‌عنوان یک مشاور و مباشر توسعه و آبادانی میهن به انجام رساند.

جای بسی خوشوقتی است که "برنامه‌ریزی فضایی" (برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در ایران) در دهه‌ی اخیر مورد اقبال خاص اغلب برنامه‌ریزان و مبشران توسعه در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است. اما نکته‌ی قابل تامل در این میان این است که برخی از پژوهش‌گران و یا علاقه‌مندان تنها از منظر تخصصی و برداشت ذهنی خویش به مقوله‌ی "آمایش سرزمین" نگریسته و آن را به "ظن خود" تعبیر و تفسیر کرده و در مواردی نیز از ادبیات دیدمانی رایج آن در عرصه‌ی جهانی فاصله گرفته‌اند.

با توجه به بروز یک چنین عوارضی، این مشاور حسب وظیفه‌ی خویش صلاح دید که با انتشار خلاصه گزارشی از پژوهش‌های صورت گرفته در این عرصه در طول سه دهه‌ی پیش و تحقیقات و یافته‌های دهه‌ی اخیر در محدوده‌ی اتحادیه‌ی اروپایی، توجه و عنایت برنامه‌ریزان توسعه در کشور و مشتاقان پژوهش در عرصه‌ی برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای و آمایش سرزمین را به دقایق و ظرایف "علم و فن اقتصاد فضایی" معطوف دارد - علمی که روند تجربی - تکاملی "برنامه‌ریزی فضایی" به مفهوم "توسعه‌ی موزون، توام و هماهنگ انسان- فعالیت- فضای زیست" از آن نشأت گرفته است.

با آرزوی توفیق روز افزون برای همه‌ی پژوهشگران و علاقه‌مندان به توسعه و شکوفایی میهن.

گروه بین‌المللی ره‌شهر

مقدمه

و فرهنگی) می‌تواند این کشورها را حاشیه‌نشین جهان علم و تکنولوژی معاصر کند.

نگارنده به‌عنوان یک برنامه‌ریز توسعه بر این باور است که ایران با داشتن حدود هفتاد سال تجربه‌اندوزی در برنامه‌ریزی، هنوز نتوانسته است به قدر کافی ادبیات و اسلوب‌ها و شیوه‌های برنامه‌ریزی توسعه وارداتی را در کشور بومی ساخته و آن‌ها را با ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی خویش سازگار کند. ابعاد نوین برنامه‌ریزی رشد و توسعه ملی، مانند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، استراتژی برنامه‌ریزی توسعه‌ی بلندمدت و برنامه‌ریزی فضایی (آمایش سرزمین) از دیدگاه توسعه ملی، مورد کاوش و پژوهش ژرف قرار نگرفته است، از این رو، توسعه این‌گونه ادبیات تخصصی با هدف برانگیختن پژوهش توسط مسئولان و تلاش آگاهانه در این زمینه توسط محققان و کارشناسان بیش از هر زمانی دیگر ضروری جلوه می‌کند.

ادبیات برنامه‌ریزی اقتصاد فضایی در سطح جهانی سابقه‌ای دیرینه دارد. پیش‌گامان این فن جدید، با توسعه اصول و مبانی برنامه‌ریزی توسعه به‌مدتی نزدیک به یک سده، انواع اسلوب‌ها و الگوها را در عمل به آزمون گذاشتند. ارزیابی دستاوردهای برنامه‌ریزی توسعه اقتصاد کلان در بسیاری از کشور های مبتنی بر اقتصاد متمرکز حاکی از توسعه ناموزون میان بخش‌های اقتصادی و اجتماعی از یک سو، و عدم تعادل در میزان و سطح توسعه میان مناطق از سوی دیگر، بوده است. بروز این‌گونه عدم تعادل و عدم توازن در فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی برنامه‌ریزی شده، توجه برنامه‌ریزان توسعه را به برنامه‌ریزی منطقه‌ای جلب کرد، با این امید که با ترویج برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای بتوان توسعه را به‌صورت موزون به نواحی دوردست و عقب افتاده هدایت نموده و عدم تعادل‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای را به تدریج کاهش داد.

برنامه‌ریزی توسعه در عرصه جهانی، با پشت سر گذاشتن تحولات پیایی و طی روند تکاملی خود، سر انجام به نتایج مورد انتظار می‌رسد و بُعد نوینی به نام "فضا"، که منظور از آن همان فضای طبیعی، جغرافیایی و اقلیمی است، وارد فرایند برنامه‌ریزی توسعه

انگیزه نگارنده در پرداختن به مقوله **برنامه‌ریزی فضایی**، که در ایران برابر نهاده‌ی: **"آمایش سرزمین"** برای آن برگزیده شده است، رواج گسترده کاربرد آن در عرصه ادبیات دیدمانی "برنامه‌ریزی توسعه" در سه دهه اخیر بوده است. اگرچه رواج فراگیر این مفهوم را، چه در عرصه جهانی و چه در سطح ملی، می‌توان روندی طبیعی و مثبت انگاشت، اما نگاهی به گفت‌وگوها و نوشته‌های سه دهه گذشته مبین برداشت‌های نظری شخصی و سلیقه‌ای از سوی مولفان در رشته‌های گوناگون، به‌ویژه از سوی کارشناسان توسعه شهری، شهرسازی، معماری، برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی در سطوح کلان، منطقه‌ای و محلی بوده است. گفتنی است که، نشر ادبیات مربوط به "برنامه‌ریزی فضایی" به‌طور کلی، و "آمایش سرزمین" به‌طور خاص، در ایران در مواردی از دیدمان اصیل آن فاصله گرفته و در مواردی نیز کژراهه رفته است.

به‌سبب سابقه‌ی دیرینه‌ای که نگارنده این پژوهش در عرصه‌ی برنامه‌ریزی توسعه کلان و به‌ویژه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین داشته است، و با توجه به رواج گسترده کاربرد واژه‌ی "آمایش" در بسیاری از نوشته‌ها، که عاری از ایراد پیش‌گفته نبوده‌اند، صلاح در آن دیده که با انتشار این گزارش، که در دو بخش: "اصول برنامه‌ریزی فضایی" و "برنامه‌ریزی فضایی در اتحادیه اروپایی" به خوانندگان فرزانه ارایه شده است، در صدد کمک به رفع این گونه کاستی‌ها و کژروی‌ها برآید. این دو دفتر مانند پلی، فاصله سی ساله میان پژوهش‌های اولیه و پژوهش‌های منتهی به دهه ۸۰ و زمان حال را در زمینه برنامه‌ریزی فضایی پوشش می‌دهند.

از آنجا که علم و فن برنامه‌ریزی همانند سایر علوم و فنون از فراسوی مرزها به فرهنگ اقتصادی- اجتماعی و سیاسی کشورهای جهان در حال توسعه رخنه کرده است، لذا می‌توان چنین پنداشت که کاربرد کلیشه‌ای هرگونه مدل و الگوی وارداتی (بدون بومی ساختن آن بر اساس مقتضیات اقلیمی، اجتماعی

بروز عدم تعادل و بازتاب‌های منفی و تخریبی در فضای سرزمین، اهمیت بسزایی دارد.

در کشورهای اسکاندیناوی و شمال اروپا نیز برنامه‌ریزی فضایی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مورد توجه نهادهای برنامه‌ریزی است. زیرا عدم تعادل میان انسان و محیط‌زیست، تاسیسات اقتصادی و اجتماعی ناشی از اقتصاد همستان (تجمع)‌های شهری، پیدایش قطب‌های رشد و عارضه‌های ناشی از آن‌ها، موجبات پیدایش نظریه‌ها و الگوهای را برای رهایی از عدم تعادل‌های اقتصادی-اجتماعی سرزمینی فراهم آورده است. پس از شکل‌گیری اتحادیه اروپایی، برنامه‌ریزی فضایی در محدوده این اتحادیه جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است (در دفتر دوم این پژوهش مطرح شده است). تهیه و تدوین دو سند معتبر "برنامه چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی"^۱ در سال ۱۹۹۹ و "کمیته برنامه‌ریزی شورای وزیران اتحادیه اروپایی"^۲ در سال ۲۰۰۰، نیاز مبرم به برنامه‌ریزی توسعه فضایی را در محدوده جغرافیایی یکپارچه اتحادیه با هدف کمک به توسعه متوازن در کشورهای عضو آشکار کرد. تهیه و تدوین این دو سند بیانگر آنست که برنامه‌ریزی فضایی نه تنها در سطح سرزمینی بلکه در سطح منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نیز مطرح است و هر جا که سخن از اتحادیه یا تشکلهایی این چنین به میان می‌آید، برنامه‌ریزی فضایی نیز در سطح فراخور آن تشکل جغرافیایی، معنا و مفهوم خاص خود را پیدا می‌کند. گذاشتن برابر نهاد فارسی "آمایش سرزمین" برای "برنامه‌ریزی فضایی" در ایران این توهم را به وجود آورده است که توسل به این شیوه از برنامه‌ریزی تنها برای شناسایی استعدادهای بالقوه سرزمین برای توسعه است، در حالی که فلسفه برنامه‌ریزی فضا با سازماندهی و توزیع دستاوردهای توسعه به صورتی موزون (برقراری پیوندها و مناسبات موزون میان

می‌شود. از آنجا که هر حرکت یا فعالیت اقتصادی انسان در حجم مکانی معین و ظرف زمانی مشخص صورت گرفته و هر فعالیتی همواره در ارتباط و پیوند با فعالیت‌های دیگر است، از این رو، برنامه‌ریزان برای جلوگیری از بازتاب‌های منفی رفتار انسانی بر محیط‌زیست و آثار نامنتظر ناشی از اجرای طرح‌های توسعه، ناگزیر به برنامه‌ریزی فضایی روی می‌آورند تا بلکه از آن طریق، تعادل آن مادی، فرهنگی و اکولوژیک در سطوح سرزمینی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای حفظ گردد.

"آمایش" یک واژه‌ی نوین فارسی است و ریشه آن فعل "آمادن" به معنی نظم و ترتیب دادن است که از واژه فرانسه "Amenager" اقتباس شده است. این بعد از برنامه‌ریزی در فرانسه به "ساماندهی فضایی سرزمین"^۳ شهرت یافته است.

در آمریکای شمالی، به علت ویژگی اقتصادی آن کشورها، اصطلاح بدیل دیگری به کار برده می‌شود و آن برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای^۴ است. زیرا که در ساختار اقتصادی این کشورها، شهرها هم به عنوان مراکز تولید و هم به عنوان مراکز مصرف جایگاه ویژه‌ای را احراز می‌کنند و از این رو، برنامه‌ریزی فضایی در این کشورها مسایل عدم تعادل بین شهرها و مراکز تولیدی در مناطق و عوارض منفی ناشی از تعامل آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. در کشورهای شرق اروپا، اصطلاح اقتصاد فضا^۵ یا برنامه‌ریزی فضایی^۶ به کار برده می‌شود. واژه اقتصاد فضایی یا برنامه‌ریزی فضایی در این گونه نظام‌ها جنبه عام و کلی دارد و ریشه آن در مفهوم ماهوی اقتصاد برنامه‌ای و از پیش طراحی شده، نهفته است. به عبارت دیگر، چون هرگونه بازتاب فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی باید از پیش سنجیده شود، لذا التزام به "انتظام فضایی"، یعنی پیش‌بینی‌های لازم در فرایند برنامه‌ریزی رشد و توسعه برای حفظ تعادل، توازن و هماهنگی میان انسان و تاسیسات ایجاد شده توسط او در فضای زیست و جلوگیری از

1- Amenagement du territoire
2- Urban and Regional Planning
3- Space Economy

4- Spatial Planning
5- ESDP
6- CEMAT

انسان، فعالیت و محیط زیست او) میان مناطق یک کشور و یا میان یک تشکل جغرافیایی سر و کار دارد.

از منظر ادبیات برنامه ریزی در قاره اروپا، برنامه ریزی فضایی به گونه های متفاوتی تعریف شده است. در روند تشکیل اتحادیه اروپایی، ابتدایی ترین تعریف را می توان در منشور برنامه ریزی منطقه ای/ فضایی اروپایی^۱، که در سال ۱۹۸۳ در کنفرانس وزیران مسئول برنامه ریزی منطقه ای اروپایی پذیرفته شد، پی جویی کرد: "منشور برنامه ریزی فضایی از منظر جغرافیایی، تبیین کننده سیاست های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی جوامع اروپایی است. در عین حال، برنامه ریزی فضایی به یک روش علمی، فن اداره امور و سیاست مبتنی بر رویکردی جامع و چند رشته ای، که توسعه متوازن منطقه ای را از طریق سازماندهی فیزیکی فضا همراه با تدوین یک استراتژی توسعه همه جانبه مد نظر قرار می دهد، تعبیر شده است."

پس از مرور کوتاه سابقه برنامه ریزی "اقتصاد فضا" یا "آمایش سرزمین" در پاره ای از نقاط جهان، که تاریخی پنجاه ساله را پشت سر دارد، اهمیت مبرم و تعیین کننده کاربرد هوشمندانه این بعد نوین برنامه ریزی در ایران بیش از پیش آشکار شده است. تردیدی نیست که راه رهایی جهان در حال توسعه از درماندگی مادی و وابستگی علمی و تکنولوژیک تنها در گرو بسیج تمامی نیروهای بالنده و تشویق پژوهش های منتهی به تدوین الگوهای رشد و توسعه درونزا است. تحقق یک چنین اهدافی تنها زمانی امکان پذیر خواهد بود که پژوهش در عرصه برنامه ریزی توسعه، جایگاه استواری در مراکز تحقیقاتی و آکادمیک کشورهای در حال توسعه احراز کند.

گفتنی است، اسناد طرح آمایش سرزمین برای نخستین بار تحت

عنوان "برنامه ملی استراتژی فضایی"^۲ توسط مشاور ستیران^۳ در سال ۱۳۵۵ در سازمان برنامه بودجه، به زبان انگلیسی ارایه شد. از آنجا که مطالعات صورت گرفته توسط مشاور ستیران بیش تر معطوف به مطالعات انجام شده در اروپای غربی، به ویژه فرانسه بود، لذا مسئولان در سازمان برنامه (وقت) صلاح دیدند شیوه برنامه ریزی فضایی در شرق اروپا را (که کشور لهستان در آن سابقه ای دیرینه داشت) از طریق مبادله کارشناسی و تحقیقات آکادمیک میان دو کشور ایران و لهستان در رویکرد به این طرح استراتژیک تعمیم دهند. اجرای طرح آمایش سرزمین پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) تا سال ۱۳۶۲ متوقف بود تا این که تدوین دوباره آن پس از انجام تجدید نظرهای لازم آغاز شد و در سال ۱۳۶۴ نخستین سند آن تحت عنوان "مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران" در سازمان برنامه و بودجه انتشار یافت، که نگارنده نیز در آن مشارکت داشته است.

قسمت نخست گزارش پیش روی خوانندگان، تحت عنوان "اصول برنامه ریزی اقتصاد فضایی"^۴ برگرفته هایی از پژوهش پروفیسور "زاوادسکی"^۵ استاد "اقتصاد و برنامه ریزی منطقه ای آکادمی علوم لهستان"^۶ و برآیندی از مبادلات کارشناسی میان دو کشور (۱۳۵۵-۱۳۵۷) است، که نمونه ای ماندگار از پژوهش های گسترده یی در قلمرو برنامه ریزی اقتصادی- اجتماعی، برنامه ریزی منطقه ای و برنامه ریزی اقتصاد فضایی به شمار آمده است. این پژوهش را می توان دیباچه ای بر رخ نمود بعد نوینی از برنامه ریزی توسعه با عنوان "اقتصاد فضایی (آمایش سرزمین)" در ایران در سه دهه یی اخیر از یک سو، و کمبود ادبیات مربوط به زبان فارسی برای تبیین مفاهیم علمی برنامه ریزی فضایی و کاربرد آن در تدوین استراتژی بلندمدت توسعه در کشور از سوی دیگر، قلمداد کرد. ویراست یکم این نوشتار برای نخستین بار در دفتر برنامه ریزی منطقه ای و

1- Torremolinos Charter

2- National Spatial Strategy Plan

3- SETIRAN

4- The Principles of Planned Action in Space

5- Proff. Stanislaw M. Zawadzky

6- The committee of Space Economy and Regional Planning -Polish Academy of Science. WARSAW-POLAND

اصول برنامه‌ریزی اقتصاد فضایی (برنامه‌ریزی آمایش سرزمین)

تاکنون برنامه‌ریزی در سیر تکاملی و طبیعی خود "فضا" را به‌عنوان یک پدیده فراگیر مورد توجه قرار نداده است درحالی‌که کامیابی فنون برنامه‌ریزی در توسعه و بالندگی یک سرزمین در گرو شناخت و درک مفهوم جامع و واقعی فضا است. از این رو، موفقیت یا شکست برنامه‌ریزی در آینده بستگی تام و تمامی به پیشرفت پژوهش‌ها در زمینه توسعه مفهوم نوین فضا خواهد داشت. طبیعی است که، مفهوم و تعریف جدید از فضا نیز تفاوت زیادی با مفهوم و یا مفاهیم قدیمی و سنتی فضا پیدا خواهد کرد. مبانی پژوهش‌های آینده در زمینه مفهوم فضا بر تحلیل حدود، تراکم و توالی پدیده‌های طبیعی در پهنه‌ی زمین استوار گردیده و به موازات آن روابط حاکم بر قلمرو "جغرافیای اقتصادی" در تغییر اسکان مردم و توزیع اشیاء و مواد در محدوده‌های مورد نظر، از توجه شایانی برخوردار خواهد شد. اگر چه این روابط در فرم‌های هندسی (مانند نقاط، خطوط، سطوح و حجم‌ها) پدیدار می‌شوند، اما این فرم‌ها قابل تبدیل به مقیاس‌های اقتصادی بوده و یا لاقط بیان آن‌ها به این گونه مقیاس‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.

چارچوب روابط پیش‌گفته را لزوماً باید در دو فضای زمین سنجی^۱ و یا جغرافیایی^۲ جستجو کرد (فضایی که در بردارنده ویژگی‌ها و اشکال متغیر و گوناگون محیط طبیعی است). اما برعکس، فضایی از نوع سوم بیش‌تر مورد نظر در این گزاره است و آن "فضای اجتماعی-اقتصادی"^۳ است که منعکس‌کننده تمامیت هستی جوامع انسانی بوده و در عین حال قابل تبدیل به روابط فضایی از نوع زمین‌نگاری و جغرافیایی نیز هست.

در برنامه‌ریزی فضایی (ساماندهی/آرایش فضایی) دو نوع رابطه (پیوند) مورد توجه است. رابطه‌ی نوع اول به لحاظ کردن عامل "فضا" در فرایند برنامه‌ریزی توسعه دلالت دارد. این رابطه مبین

آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه، در تابستان ۱۳۶۰ منتشر شد، که افزون بر تعریف "برنامه‌ریزی فضایی" به زبان آکادمیک ساده، چنان تکانه‌ای در برانگیختن اشتیاق مجدد برای راه‌اندازی مطالعات نیمه‌کاره طرح آمایش سرزمین موثر واقع شد.

در ویراست سوم این گزارش کوتاه کوشش شده است منظور پژوهشگر به زبان ساده‌تر بیان شود. برای سهولت دریافت مفاهیم توسط خوانندگان، واژگان و برابر نهاده‌های انگلیسی اصطلاحات علمی و فنی نیز در پاورقی هر صفحه درج شده است.

بخش دوم، به‌مثابه یک پل، ادبیات برنامه‌ریزی فضایی (موسوم به: آمایش سرزمین در ایران) رایج دهه ۱۹۷۰-۱۹۸۰ را به ادبیات نوین برنامه‌ریزی فضایی در گستره‌ی فرا سرزمینی یا گستره‌ی منطقه‌ای و قاره‌ای در اروپا در دهه ۲۰۰۰-۲۰۱۰ پیوند می‌دهد. در این بخش، اصول توسعه فضایی پیشنهادی برای اتحادیه‌ی اروپایی^۱ که با تدوین دوسند "چشم‌انداز توسعه فضایی اروپا-۱۹۹۹" و "کنفرانس وزیران مسئول اروپا برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای-۲۰۰۰" و تصویب آن‌ها از سوی کمیسیون اقتصادی اتحادیه اروپایی به اجرا گذاشته شده است، توسط کارشناسان (مستقل) مورد بررسی و نقد قرار گرفته و رویکردی مبتنی بر هدف‌های ابتکاری برای تعدیل برنامه توسعه فضایی اتحادیه اروپایی پیشنهاد شده است. با مرور این مطالب، خواننده مشتاق با ابعاد نوین و گستره‌های جدید برنامه‌ریزی فضایی (آمایش فرا سرزمینی- منطقه‌ای) آشنا می‌شود. امید است این گزارش بتواند در روشن کردن برخی ابهامات موجود در تعریف‌های دیدمانی از برنامه‌ریزی فضایی (آمایش سرزمین)، که لازمه گسترش پژوهش‌های ژرف‌تر برای تدوین یک الگوی جامع برنامه‌ریزی اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر توسعه موزون ایران زمین است، موثر واقع شود.

1- European Union
2- Geodetic

3- Geographic
4- Socio-economic Space

این واقعیت است که فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی همواره در فضای عینی و واقعی انجام می‌گیرند. از آنجا که ویژگی، تراکم و کارایی و سایر خصوصیات فعالیت‌ها تنها از دیدگاه فضایی قابل تمیز و تشخیص‌اند لذا برنامه‌ریزان تنها با توسل به نظریه‌های مکان‌یابی^۱ و عمران (توسعه) منطقه‌ای^۲ می‌توانند مسایل را از دیدگاه مجموعه فعالیت‌های انسانی مورد کاوش قرار دهند. رابطه‌ی دوم میان برنامه‌ریزی و فضا، رابطه‌ای کاملاً متفاوت از نوع اول است. این پیوند از ویژگی‌های طبیعی و متمایز بخش‌های معینی از سرزمین است که در برگیرنده‌ی عناصر و اثرات حاصل از فعالیت‌های انسانی است. بدین‌سان، به محض این که پدیده‌های گوناگون اثرات معکوس خود را در محیط اجتماعی و طبیعی بر جای می‌گذارند و یا هنگامی که مردم ضرورت تطبیق و تعدیل پدیده‌های طبیعی سرزمین را از طریق نیازهای خود احساس و تشخیص می‌دهند، آنگاه تمایلاتی^۳ در جهت آرایش فضایی به منصه ظهور می‌رسد و با تحقق یک چنین شرایطی، برداشت‌های نوینی پدید می‌آیند که سر انجام موجبات پیدایش اسلوب "برنامه‌ریزی فضایی" را فراهم می‌آورند. امروزه فرایندهای توسعه نیازمند تمهیداتی است که با برداشت‌های مذکور، برخوردی منطقی و خردمندانه نماید. از آنجا که توسعه فضایی به‌طور فزاینده‌ای به ویژگی‌های عینی فضای جغرافیایی تکیه دارد، لذا جنبه‌ی آرایش فضایی یا سازماندهی فضایی به‌طور عمده متأثر از خردگرا^۴ نمودن فرآیندهای توسعه بوده و از این رو، سازوکار برنامه‌ریزی جامع نیز نیازمند شناخت و ترسیم سیمای

"ساختار فضایی اقتصاد"^۵ یک کشور است. تعریف پیشنهادی پرفسور زاکروزسکی به بیان روشن‌تر این مفهوم کمک شایانی می‌کند. بنابر تعریف این پژوهنده، ساختار فضایی اقتصاد عبارت است از:

"مجموعه کل پیوندهای فضایی میان تاسیسات اقتصادی^۶ و توسعه فضای اقتصادی در یک محدوده خاص جغرافیایی" منظور وی از تاسیسات اقتصادی، همه‌ی واحدهای جداگانه‌ی فعالیت‌های اقتصادی هستند که مکان معینی از فضا را اشغال کرده و فرم‌های فضایی^۷ خاص خود را دارند، مانند واحدهای صنعتی، مزارع و غیره.

اشکال و نموده‌های فضایی توسعه اقتصادی، فرم‌هایی از بخش‌های مختلف پهنه‌ی سرزمین‌اند که به منظور رسیدن به هدف‌های اقتصادی سازمان داده شده‌اند، مانند فرم‌های مختلف سکونت‌های شهری و روستایی در گروه‌های مشخص و در مناطق معین. تاسیسات در این میان صرفاً ایفای وظایف اقتصادی را بر عهده داشته و فرم‌ها و انگاره‌های فضایی توسعه اقتصادی نیز وظایف ترکیب و پیوستگی فعالیت‌های غیر اقتصادی را بر عهده دارند.

پیوندهای میان تاسیسات و فرم‌های توسعه اقتصادی پی‌آمدی حاصل از "بی بدیل بودن فضا"^۸ (یک نوع موسسه واقع در یک محل)، "همجواری"^۹ (یک فرم و یک موسسه در جوار یکدیگر) و بالاخره "پی‌درپی بودن"^{۱۰} (زنجیره معینی از تاسیسات با نظمی مشخص در راستای معین)، هستند.

چنانچه ملاحظه می‌شود برداشت مزبور حاوی عناصر فضا در سه

1- Location theory

2- Regional development

۳- این بیان ضرورت تطبیق و تعدیل فعالیت‌های بشر را با نیازمندی‌های محیط‌زیست توصیه می‌کند چرا که انسان به‌جای فعالیت در جهت بالندگی طبیعت و منافع آن، همواره برای ارضای نیازهای زیستی، اقتصادی و یا حداقل برای ارضای نیازهای احساسی و زیباشناختی خود فعالیت می‌کند و این در جهت خلاف منافع خود طبیعت و محیط‌زیست است.

4- Rational

5- Spatial Economic Structure

6- Economic Set-ups

7- Spatial Forms

8- Spatial Exclusiveness

9- Neighbourhood

10- Successiveness

تحلیلی پیراسته از پیونددهی فضایی، بتواند خصوصیتی را درباره توسعه مجموعه‌هایی از عناصر اجتماعی-اقتصادی و روابط بین آن‌ها، برما مکشوف دارد، زیرا که به کمک این مشخصات می‌توان توسعه‌ی موزون و متناسب فضا را ضمانت اجرایی بخشید.^۱

پژوهش‌های مربوط به فضای اجتماعی-اقتصادی باید راستاها و پیوستارهای فضایی را که واحدهای اقتصادی را به یکدیگر پیوند می‌دهند، تعیین کند. با تحقق این شرط که اهمیتی بسزا در برنامه‌ریزی دارد، می‌توان به رفع اشکالات در اصلاحات و متدولوژی‌های توأم با تردید، که درتبیین رابطه‌ی دو سویه‌ی برنامه‌ریزی فضایی و برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی و اقتصادی کاربرد دارند، کمک شایانی کرد.

"مقصود از آنچه که تا حال در این مقوله بیان شد این است که به معرفی کلیاتی از تجارب برنامه‌ریزی فضایی نایل شویم. ما سعی می‌کنیم ویژگی‌های مبانی نظری در این مبحث را تحلیل کنیم. از این‌رو، ممکن است این بررسی برای آنان که در عمل با برنامه‌ریزی فضایی سروکار دارند مفید واقع شود. اگر چه این پژوهش در صورتی پرمعنا خواهد بود که هر کدام از ما کارشناسان، مسئولیت انجام پژوهش و ارایه نظری اصیل‌تر و جامع‌تر را در گستره نظری (دیدمانی) اصول برنامه‌ریزی در فضا را مشتاقانه پذیرا باشیم."

◀ آیین "منشور آتن"^۲

بدون تردید، تاکید بر برنامه‌ریزی در شهرسازی^۳ از اهمیت شایانی برخوردار است و اصرار بر چنین تاکید گزافه‌گویی نیست، چرا که از دیر باز قانونی که به‌عنوان منشور آتن شهرت یافته، اهمیت حیاتی برنامه‌ریزی توسعه شهری را آشکار ساخته است. منشور مذکور در سال ۱۹۳۳ تهیه و تدوین شد. نقطه عطف این منشور بر ضرورت تنظیم دوره‌های روزانه برای انجام وظایف سه‌گانه انسان مانند: **زندگانی در خانه، کار و فعالیت، استراحت و**

کیفیت پیش‌گفته به‌معنی "ناب"^۴ خود است. بنا بر این، اهمیت اقتصادی ساختار فضایی بیانگر فواید و مضار انگاره‌ی^۵ تاسیسات و فرم‌های توسعه اقتصادی است و به‌همین دلیل، توزیع و آرایش تاسیسات با نظامی منطقی در فواصل معین، مستلزم دقت و تلاش بسیار است.

نکته دقیق در برنامه‌ریزی فضای اجتماعی-اقتصادی، بنابر تعریف دومانسکی^۶ آن است که: عناصر متشکله اجتماعی-اقتصادی و پیوندهای موجود میان آن عناصر و ویژگی‌های کمی و کیفی آن‌ها باید متفاوت انگاشته شوند. عناصر مذکور همان واحدهای فعالیت‌های اقتصادی‌اند که به مجموعه‌های بزرگتر تعلق دارند، مانند بخش‌ها، شاخه‌ها و روابط میان آن‌ها، بدون این که وضعیت دوجانبه آن‌ها و نسبت یا فواصل آن‌ها به یکدیگر مورد توجه قرار گیرد. این مقوله نیازمند تامل و محافظه‌کاری است چرا که در هر حال "فضای ناب" در اینجا به‌صورت یک ناحیه یا خط‌های (مانند یک کشور و مناطق آن) پدیدار می‌شوند که در آن مناسبات و پیوندها مورد پژوهش قرار می‌گیرند. بنابراین، روابط مزبور بازتابی از ساختار منطقه‌ای‌اند، به‌ویژه این که در بسیاری از موارد میزان و نسبت ظرفیت‌های بالقوه‌ی قابل محاسبه و درجه شناخت مشخصات کامل نواحی بر کارشناسان برنامه‌ریزی توسعه پوشیده است.

به باور پرفسور زاوادمسکی، "اگر ما نقطه عزم خود را با تفاوت موجود میان توسعه فضایی و برنامه‌ریزی برای توسعه (درمقیاس کوچکتر از کل کشور) انطباق دهیم، درخواستیم یافت که این موضوع چه به لحاظ نظری و چه در عمل، همواره صدق می‌کند، به‌طوری‌که برداشت اول موضوعاتی را در برخواهد گرفت که شامل ساختار فضایی اقتصاد است و برداشت دوم حاوی فضای اجتماعی-اقتصادی خواهد بود که خود به معنای بازگشت به نقطه عزم ما در این گزاره است. ما طرفدار نظریه‌ای هستیم که با

1- Pure
2- Patern
3- Domanski

4- The Tradition Of The "Chart Of Athens"
5- Town Planning

تفریح، استوار است، به گونه‌ای که جدایی فضایی این سه بخش از فعالیت انسانی تامین و مورد توجه قرار گیرد. هدف از تفکیک و تمایز مکان‌ها و حوزه‌های سه‌گانه‌ی فعالیت انسان که به علت ویژگی‌شان از یکدیگر متمایزند، این است که با پیش‌بینی برقراری سامانه‌های ارتباطی در برنامه‌های شهرسازی و با تدوین اصول و معیارهای ضروری برای توسعه و گسترش آینده مراکز جمعیتی، و با تهیه نقشه (طرح)‌های جامع (قبل از پیدایش شهرک‌ها و شهرها) بتوان انجام وظایف سه‌گانه پیش گفته را هر چه بیش‌تر تسهیل کرد. بدین‌سان، با انجام تمهیدات فوق، اصول و مبانی تنظیم و طراحی الگوهای واحدها و مناطق بزرگ (کلان) که در برنامه‌ریزی‌های مربوط به شهرسازی کاربردی اساسی دارند، شکل می‌گیرند.

براساس برداشت فوق، می‌توان ادعا کرد که توجه به مساله مقیاس کلان منطقه‌ای^۱ و سعی در بیان مفاهیم آن، دسترسی به اصول و مبانی جامع را در این زمینه امکان‌پذیر می‌کند اما نشانه‌هایی در دست است که از گرایش برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهات متفاوت و نامطلوب حکایت دارند.

روند کنونی برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر برنامه‌ریزی فضایی، اساساً موضوع "توسعه شهری"^۲ را توأم با "تقسیم اجتماعی کار"^۳ مد نظر قرارداده و بدین ترتیب موجبات افزایش میل به جابه‌جایی در مردم را فراهم می‌کند. از این‌رو، در برخی موارد حاد، بحث بر سر این است که آیا ضرورت و یا امکان دارد که موضوع محل سکونت و محل کار هر دو، به‌طور هم‌زمان در طراحی‌های محلی مورد توجه قرار گیرد. یکی از متخصصان به نام ژ. گورینسکی^۴ در تضاد با منشور آتن می‌گوید که یکپارچگی و تجمع واحدهای مشخص مسکونی معین در محدوده محل و نواحی اشتغال (کار و فعالیت) از شرط‌هایی است که دقیقاً جنبه نظری دارد. رابطه

محل سکونت- کار و پیوندها و همبستگی‌های بین این دو که لزوماً نقش مسلط‌تری دارند، سبب می‌شود که از یک سو توسط رابطه "محل سکونت- محل خدمات" و از سوی دیگر، توسط "پیوندهای فرا مکانی"^۵ تحت فشار شدیدی قرار گیرند. طبیعی است که یک چنین وضعی ایجاب می‌کند که فرمول منشور آتن لزوماً مسئله شهرگرایی را در مناطق مد نظر قرار دهد که آن‌هم ناگزیر توصیه می‌کند که از تاکید بر برنامه‌ریزی شهری کاسته شده و توجه بیش‌تری به برنامه‌ریزی منطقه‌ای معطوف شود.

فکر تقسیم نواحی به حوزه‌های خویش‌کار (کارکردی)^۶، کاربرد متفاوتی را در روند توسعه منطقه‌ای و برنامه‌ریزی فضایی پدید آورده است که در ادامه‌ی این گزاره مورد بحث قرار خواهد گرفت و در این جا کافی است اشاره شود که اصل پایدار و استوار اختصاص نقش‌های معین و تخصص‌های مشخص به نواحی مختلف ناشی از پیش‌انگاری‌هایی است که جایگاه آن نقش‌ها را در قلمرو تقسیم اجتماعی کار تعیین می‌کند. این امر بر خلاف اصول و مبانی شهرسازی، به نقش مسلط توسعه بیش از رعایت صرف اصل "خویش‌کار" نواحی اهمیت می‌دهد.

آنچه در برنامه‌ریزی فضایی هم دارای ضرورت بسیار و هم دارای سابقه‌ی طولانی است، همان اصل منشور آتن است که بنیاد آن بر هدف انسان‌مداری^۷ و رسیدن او به نهایت تعالی نهاده شده است. ارضا و تامین نیازهای زیستی ذوقی و تفریحی و زیبا شناختی انسان و به‌موازات آن، ایجاد شرایط کافی برای توسعه اجتماعی، در زمره‌ی ثمراتی است که از اجرای برنامه‌های اقتصاد فضایی معاصر می‌توان انتظار داشت. برنامه‌ریزی فضایی و آرایش فضایی فعالیت‌های متمایز (سه‌گانه) انسان، برخلاف معیارهای برنامه‌ریزی شهری و طراحی‌های سنتی شهرسازی، برقراری تسهیلات متناسب و متوازن را در محتوای برنامه (میان محل

1- Supra-regional

2- Urbanization

3- Social Division Of Labor

4- Gorynski

5- Supra-local ties

6- Functional

7- Man Oriented

کار- محل سکونت و محل تسهیلات تفریحی و سرگرمی) از نظر دور نمی‌دارد.

فعالیت‌های خاص در مکان‌های خاص

به دلایل متعدد تکنولوژیک و یا مشکلات مربوط به برنامه‌ریزی و ظرفیت‌های بالقوه‌ی اقتصادی، تعداد مکان‌های مناسب برای تخصیص به فعالیت‌های اجتماعی معین با محدودیت مواجه است. از طرفی، انواع فعالیت‌های منحصر به فرد (خاص) در کلیه نواحی و نقاط سرزمین از شرایط ویژه‌ی توسعه و بالندگی برخوردار نبوده و توسعه‌ی انواع مختلف فعالیت‌ها نیز در یک مکان امکان‌پذیر نیست. بعضی اوقات می‌توان تنها یک مکان مناسب را برای یک نوع فعالیت معین اختصاص داد و یا مجموعه‌ای جامع یا اجتماعی از تاسیسات را در یک مکان خاص مستقر کرد.

لازم است یادآوری شود، اگر چه برنامه‌ریزی فضایی در طول تاریخ حیات^۱ خود (در کشور لهستان) به نظریه "ناب"^۲ و "متدولوژی مکان" کم‌ترین توجه را روا داشته است، لیکن در هر حال، با اعتقاد به نظریه مزبور، که یکی از عوامل بسیار ضروری برای تهیه و تدوین اسلوب‌های برنامه‌ریزی است، موضوع یگانگی و یکپارچگی محیط (وحدت با محیط) با انواع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، از سرآغاز مورد توجه قرار گرفته است. چهل سال پیش "تئوپولیتز"^۳ نوشت:

"برنامه‌ریزی منطقه‌ای از بدو پیدایش خود مدیون باوری است که بر اساس آن از یک سو، اختصاص فضای کافی برای فعالیت‌های

اقتصادی، اجتماعی، صنعتی، معدنی، کشاورزی، حمل و نقل و ارتباطات، محل سکونت و محل سرگرمی و تفریح، با حداقل هزینه، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای محسوب گردیده و از سوی دیگر، توجه به عامل اقتصادی، به‌ویژه اقتصاد منابع طبیعی و نیروی انسانی نیز، از اهمیت راسخی برخوردار باشد."

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، کاوش برای فراهم آوردن مطلوب‌ترین شرایط مکانی و همچنین بررسی کاربرد بهینه نواحی، روش‌هایی هستند که افزون برداشتن روابط دوسویه، مکمل یکدیگر نیز هستند. به نظر می‌رسد که نکته‌ی دوم^۴ در برنامه‌ریزی جایگاه استواری را احراز می‌کند و اهمیت آن در مراحل نهایی برنامه‌ریزی فضایی نیز کماکان مشهود است.

نگاهی به مسئله‌ی اتکای متقابل دو حالت "تفکر" و "اسلوب برنامه‌ریزی" بیانگر این واقعیت است که در برنامه‌ریزی مکانی^۵ آنچه ارایه می‌شود احداث یک نوع موسسه است و آنچه که مورد کاوش قرار می‌گیرد مکانی مناسب برای احداث آن است. در مورد ایجاد یک موسسه تولیدی، مکان باید با شرایط تکنولوژی، با نوع فعالیت موسسه و خدمات قابل ارایه و کارایی آن در حال و آینده، موافق و سازگار باشد. در برنامه‌ریزی کاربری زمین^۶، تعیین و تشخیص "مکان" مورد نظر است، مکان‌هایی که انواع مشخصی از کاربری زمین در آن‌ها تعیین و یا احیاناً از کاربرد معاف می‌شوند. بدین‌سان، دو نوع برنامه‌ریزی مزبور نه تنها به‌سبب موضوعات مربوط به خود از یکدیگر متمایز می‌شوند بلکه به سبب ویژگی‌های

۱- در لهستان، علم اقتصاد فضا جایگاه ارزشمندی را به خود اختصاص داده و پژوهشگران این کشور بیش از هر کشور دیگری در اروپای شرقی به پژوهش‌های فراگیر در این زمینه پرداخته اند.

2- Pure Theory

3- T. Teopolize

۴- دلیل محتمل این است که تلقی از برنامه‌ریزی فضایی بیش‌تر به مفهوم تامین هدف‌های کلی اجتماعی آن است تا تحلیل نظریه مکان‌یابی، که در آن نفع و خواسته‌های انفرادی مطرح است. در اینجا لازم است اشاره‌ای به فقدان تمایل برای تحلیل نظریه مکان‌یابی شود. قبل از سال ۱۹۳۹ این مسئله به‌دلیل سرمایه‌گذاری ناچیز (حتی اجرای پروژه بزرگ "GOP" ناحیه‌ی صنعتی سلسیان علیا (Upper Selesian) فاقد چنین تحلیل ضروری بود. در حالی که پس از پایان جنگ، عوامل دیگری مانند سهل‌انگاری یا تلقی دلخواه از تحلیل سود به هزینه، تصمیم‌گیری متمرکز، ساختار خاص مدیریت و غیره در آن دخالت داشتند.

5- Location Planning

6- Land Use Planning

زمین در نواحی مختلف برخوردارند و مقصود از مبانی خاص آن است که افزون بر شرایط مذکور، معیارهای تدوین شده‌ای برای پیش آزمون هر اقدامی مانند ایجاد تعهدات اقتصادی و سرمایه‌گذاری، در دسترس برنامه‌ریزان قرار داده شود.

به نظر نمی‌رسد که کاوش برای انتخاب بهینه مکان (برترین انتخاب) در هر موردی لزوماً با توجه به استعداد نواحی در برآورده کردن وظایف تعیین شده در برنامه انجام گیرد. به بیان دیگر، این وظایف به‌گونه‌ای دقیق محدود به آن دسته از فعالیت‌هایی است که برای انجام آن‌ها "مکان‌یابی"^۱ الزام آور می‌شود.

موضوع پیش‌گفته را می‌توان با موردی مانند مکان‌یابی مناسب برای احداث کارخانه‌ها روشن ساخت. در برنامه‌ریزی فضایی، برخی نواحی برای اجرای طرح‌های عمرانی صنعتی اختصاص داده می‌شود. در تخصیص مکان به برنامه‌های منطقه‌ای جزئیات روشن نیست درحالی‌که در برنامه‌های محلی (کوچکتر از منطقه) جزئیات به تفصیل روشن است و صرفاً از طریق مرزبندی و ایجاد زون‌های^۲ مورد نظر انجام می‌گیرد. در هر صورت، در تدوین برنامه‌ها (طرح‌ها) نمی‌توان به تعیین شاخه‌ها و فروع اقدام کرد، زیرا این کار مستلزم تقبل مدیریت اقتصادی، کاربرد تکنولوژی مورد نیاز و میزان سرمایه‌گذاری (با توجه به میزان استخدام و اشتغال) است. غیر از مشخصات کلی و عمومی مکان‌های تخصیص داده شده، برنامه یا طرح تنها حاوی اطلاعاتی (کلی) است که دلالت بر انواع فرایندهای تولید یا میزان تولید داشته و لزوماً نمی‌تواند و یا نباید جنبه بومی و محلی پیدا کند. بخش قطعی و نهایی‌شده برنامه یا طرح ممکن است حاوی شاخص‌هایی باشد که مشخص کننده انواع تولیدات مورد نظر در یک ناحیه معین بوده و بدین‌گونه بیانگر هدف‌های کلی اقتصادی نیز باشد. پس از آن،

مربوط نیز از یکدیگر تمیز داده می‌شوند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در روش اول "عنصر فعال" مسلط است (مانند این که سرمایه‌گذاری در "جستجوی" مکان است) و در روش دوم، "عنصر غیر فعال" مسلط است (کما اینکه مکان در "انتظار" کاربری است. البته با توجه به ویژگی‌های مکانی). تفاوت دیگر میان دو روش، از دیدگاه زمان است، به‌گونه‌ای که برنامه‌ی مورد نظر باید و شاید در آن برهه از زمان تحقق یابد و افزون بر این، در روش اول، عامل زمان تبیین و توصیف می‌شود در صورتی‌که در روش دوم، عامل زمان به‌طور دقیق مشخص نیست.

یکی از روش‌های انکارناپذیر در بهبود فرایند برنامه‌ریزی این است که شیوه‌ای منطقی برای ایجاد پیوستگی میان برنامه کاربری زمین با برنامه مکان‌یابی جستجو شود و تنها با این شیوه و با توجه به حداکثر امکانات می‌توان از یک سو، سطوح مختلف برنامه‌ریزی فضایی را با هم پیوند داده و از سوی دیگر، آن سطوح را با برنامه‌ریزی بخشی^۱ مرتبط کرد.

نخستین گام در راستای برنامه‌ریزی فضایی (که در این تحقیق جنبه کلی دارد)، برآورد نیازهای مناطق از یک‌طرف و سنجش ظرفیت مناطق در عرضه خدمات و تولید در ارتباط با مکان، از طرف دیگر است. بدیهی است انتخاب مکان‌های جامع^۲ ارجحیت خواهد داشت اما باید دانست که مکان‌های جامع محدود هستند و بدین سبب در برنامه‌ریزی، تنها مکان‌هایی مورد نظر خواهند بود که براساس بررسی‌های پیشین تعیین و مشخص شده‌اند. انتخاب مکان باید مبتنی بر بررسی‌های دقیق بوده و از میان انواع مختلف مکان‌ها باید مکانی برگزیده شود که دارای شرایط جامع از نقطه نظر اصول و مبانی خاص باشد. منظور از شرایط جامع اصولی هستند که از ماهیت راسخ و قاطعی در تعیین کاربری

1- Sectoral Planning

2- Concrete

۳- برای رسیدن به این هدف لازم است سطح کشور از نظر کاربری زمین به دقت بررسی شده و ظرفیت‌های بالقوه مکان‌ها در مناطق از نظر کاربرد تکنولوژی مناسب به توجه به نقشه‌های کاربری زمین (Land Use Map) تعیین گردند.

4- Zone

این پرسش اساسی‌ترین مسئله‌ی اقتصاد فضایی را مطرح می‌کند و نگارنده ادعا نمی‌کند که قادر به ارائه پاسخ کامل و جامع به آن باشد. بدین سبب، در ارتباط و در حد وظیفه در این مقوله، می‌توان پاسخ داد که سوال فوق محدود به پیوندهای دوسویه میان برنامه‌ریزی مکانی (مکان‌یابی) و برنامه‌ریزی کاربری اراضی است (فعالیت‌هایی که برای آن‌ها، نواحی یا مکان‌های مناسبی را اختصاص می‌دهیم) و این پاسخ فقط می‌تواند در حد کلی و مبتنی بر نتایج تجربی باشد.

لازم است خاطرنشان شود که روش برنامه‌ریزی انتخاب شده چندان مهم نیست بلکه آگاهی از هدف‌های مشخص که برنامه بر اساس آن هدف تهیه می‌شود، بر هر دو نوع روش‌های برنامه‌ریزی پیش گفته ارجحیت دارد. چنین ترجیحی از یک سو، بر موضوع^۳ برنامه معطوف بوده و از سوی دیگر، هدف^۴ را مورد تاکید قرار می‌دهد، به عبارت دیگر، برنامه‌ای بر برنامه‌ای دیگر ارجحیت دارد که مبتنی بر هدف‌های جامع و مشخص باشد. یک چنین برنامه‌ای نه تنها نباید مکان‌های خاص و منحصر به فرد^۵ و یا نواحی پراکنده دیگر را مد نظر قرار دهد بلکه باید کل ساختار فضایی اقتصاد کشور را مورد توجه قرار دهد. بنابراین می‌توان گفت که تاکید بر برنامه‌ریزی موضوعی در برنامه‌ریزی ملی و کشوری از مبانی علمی و منطقی برخوردار نیست.

◀ روابط فضایی فرایندهای تولید و مصرف

پس از زوال نظریه اقتصاد سالاری^۶، جدایی مراکز (مکان‌ها) تولید از مراکز مصرف کالا مورد بررسی و تحلیل کارشناسان قرار گرفت. افزون بر آن، موضوع نیروهای مولد و پیشرفت تقسیم اجتماعی کار^۷ و پیدایش بازتاب‌های ناشی از روند رو به فزونی فاصله‌ها در میان مکان‌ها نیز بررسی و مطالعه گردید. گفتنی است، برآیند

عناصر برنامه‌ریزی شهری یا "ساختار خویش‌کار منطقه"^۱ است که چگونگی کاربرد مکان‌های تخصیص‌یافته و همچنین رعایت محدودیت‌های مکانی را تبیین خواهد کرد.

هنگام بررسی امکانات تولیدی "نواحی صنعتی" مورد نظر، نواحی بهره‌مند از ظرفیت‌های بالقوه لزوماً مورد توجه نیستند، بلکه مکان‌های جامع^۲ که می‌توانند جواب‌گوی نیازهای تولیدی باشند مطرح هستند، به‌عنوان مثال، برای ایجاد یک نوع خاص از صنعت یا کارخانه ممکن است مکان‌های مناسب فراوانی یافت شوند ولی برای احداث کارخانه‌ای از نوع دیگر محدودیت مکانی وجود داشته باشد. ناحیه‌ای که به‌منظور ایجاد بعضی فعالیت‌های صنعتی در نظر گرفته می‌شوند می‌تواند انواع مختلفی از صنایع را پذیرا گردد و بر اساس یک قاعده کلی، تنوع‌پذیر هم باشد. در هر حال، نه برنامه‌ریزانی که برنامه‌فضایی را طراحی و تهیه می‌کنند و نه مقامات منطقه‌ای (محلی) که مسئولیت اجرا و تحقق اهداف برنامه را به عهده دارند در عمل قادر نیستند که از پیش انواع صناعی را مشخص کنند که بر اساس آن بتوانند مبادرت به انتخاب دقیق یک محل (مکان) خاص نمایند (برتری انتخاب یک ناحیه از میان نواحی مختلف). سرمایه‌گذاران صنعتی همواره در پی یافتن مکان‌های ویژه هستند و رهنمودها و معیارهای انتخاب این نوع مکان‌ها متفاوت از آن‌هایی است که در مکان‌یابی‌های کلی و عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند. تطبیق معیارهای کلی و معیارهای ویژه تنها موقعی امکان‌پذیر است که تعداد و تنوع مکان‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری صنعتی خیلی زیاد باشد.

اکنون با در نظر گرفتن پیچیدگی‌ها و دشواری‌های مذکور لازم است سوال شود که آیا شانس برای مکان‌یابی کاملاً مناسب و موفق وجود دارد؟ در صورت وجود چنین فرصتی، آیا تناسبی میان مکان و نیازهای واقعی برنامه (طرح) وجود دارد؟ به‌نظر می‌رسد

1- Region's Functional Structure
2- Concrete
3- Subject
4- Object

5- Individual Areas (Places)
6- Autarchic Economy
7- Social Division Of Labor

نیروی کار که همانند پلی در میان مکان‌ها و به‌عنوان عنصر مهمی از هزینه‌های اجتماعی^۱ و فردی جلوه‌گر می‌شود، با پیشرفت و توسعه حمل و نقل رو به کاهش می‌گذارد. همزمان با افزایش تراکم و تمرکز در فرایندهای تولید، عدم تعادل و توازن نیز در مناطق افزایش می‌یابد. علت این عدم تعادل از نابرابری در توزیع عوامل تولید و همچنین متفاوت بودن هزینه‌ها در نواحی مختلف ناشی می‌شود. هویت فضایی هر واحد اقتصادی که به‌عنوان چارچوب (مانند منطقه/ محدودده یا کل کشور) انتخاب می‌شود، حاوی هدف‌های تعیین شده از لحاظ توزیع مکان‌ها و مراکز تولید و مصرف (شامل مصرف مولد)^۲ در ناحیه یا منطقه مورد نظر است و افزون بر این، آن دسته از تفاوت‌های فضایی که بیانگر سطح و ساختار تولید و مصرف است و همچنین جریان کالا و جابه‌جایی‌های جمعیتی ناشی از این تفاوت‌ها نیز اهداف اصلی برنامه واحد اقتصادی مزبور را تشکیل می‌دهند.

تحلیل هر یک از عناصر پیش گفته ممکن است زمینه‌ای برای جمع‌بندی‌های نظری فراهم آورد، مانند: برداشت نظری از حداقل هزینه تولید، اقتصاد تودگی^۳، پیدایش "قطب‌های رشد" از بین رفتن عدم تعادل‌های بین‌المللی^۴، اشاعه و نشر نوآوری‌ها در یک جهت و محدوده‌ی جغرافیایی خاص، تحلیل‌های مربوط به جریان کالاها، که جملگی می‌توانند به غنای مبانی نظری اقتصاد فضایی کمک شایانی بکنند^۵.

نکته جالب توجه در این بررسی این است که روشن نماییم که برنامه‌ریزان چه تمهیداتی را می‌توانند در تدوین انگاره فضایی به‌کار گیرند که از یک سو حاوی پدیده‌های تجربی قابل نمایشی از توزیع نابرابر (در ارتباط با ناحیه و جمعیت) مراکز تولید در سرزمین بوده و از سوی دیگر، با فرض "ثبات سایر شرایط"^۶،

بیانگر رابطه اتکای سطح مصرف بر تولید باشد. به عبارت دیگر، نکته‌ای که دقیقاً باید مورد توجه قرار گیرد همانا رعایت اصول برنامه‌ریزی فضایی ساختار تولید و مصرف در فرایند برنامه‌ریزی است. در جهت نیل به هدف مزبور، یکی از آسان‌ترین راه‌ها، پرداختن به برآوردهای مقدماتی در ارتباط با همانندسازی^۷ نواحی بی‌بديل است. این موضوع در هر حال با هدف تنوع فرایندهای فضایی در تضاد کامل است و به همین دلیل ممکن است این‌گونه برداشت‌های سطحی افزون بر آرمان‌گرایی^۸، خطراتی نیز در برداشته باشند.

اگر هدف فرایندهای تمرکز تولید در شرایط کنونی مبتنی بر ضرورت قاعده‌مندی^۹ مسئله توسعه باشد، در این صورت برنامه‌ریزی مبتنی بر مردم‌گرایی با توجه به ویژگی‌های ماهوی خود نمی‌تواند در تضاد با این ضرورت قرار گیرد، زیرا جلوگیری از یک روند عادی (عرفی) منجر به سازماندهی غیر خردمندانه عوامل تولید شده و فعالیت‌های اقتصادی را دچار کاستی و اغتشاش خواهد کرد. در برنامه‌ریزی خویش‌کار (کارکردی)، هدف اصلی تنها انتقال عوامل تولید به نواحی کم‌استعدادتر خلاصه نمی‌شود، بلکه انگیزه اصلی در انتقال عوامل تولید از یک ناحیه به ناحیه دیگر باید معطوف به افزایش ثمرات اجتماعی تولید باشد نه برآورده کردن توقعات در تغییرات مربوط به انگاره‌های منطقه‌ای مصرف! چرا که، دلیل غایی فعالیت‌های اقتصادی تنها تولید صرف نیست و از طرفی، میزان مصرف (کل) نیز نمی‌تواند بیانگر تفاوت‌های سطح مصرف در نواحی مختلف، که می‌بایست از طریق توزیع هر چه متوازن‌تر جغرافیایی تولید حل شود، تلقی گردد. این دیدگاه نقش تعیین‌کننده تولید را در رشد مصرف به درستی کاوش نمی‌کند. برای روشن کردن این مسئله لازم است

1- Social Costs

2- Productive Consumption

3- The Economies Of Agglomeration

4- International Disproportion

6- "Ceteris Paribus"

7- Equalization

8- Utopian

9- Regularity

۵- در بررسی و تحقیق T.Brezeski فضای اقتصادی به "محل تلاقی و تداخل جریان کالاها" تعبیر شده است (تئوری اقتصاد فضایی ۱۹۶۹).

و میزان سرمایه‌گذاری در مقیاس منطقه‌ای هیچ‌گونه وابستگی به سطح تکاثر و انباشت وجوهات در هر منطقه ندارد (در اقتصاد سوسیالیستی اگرچه تخصیص و توزیع اعتبارات برای مناطق از خزانه‌داری کل کشور انجام می‌گیرد ولی بر اساس قانون، مابه‌التفاوت و کسری اعتبارات لازم برای مناطق کم رشد از محل درآمدهای مناطق مستعد و بارور، که مازاد آن به خزانه‌داری مرکزی انتقال می‌یابد، تامین می‌شود). افزون بر این، تعیین حجم و میزان مصرف در یکایک مناطق از وظایف کوتاه مدت دولت نیست بلکه هدف اصلی، ایجاد مکانیسمی است که با بازتوزیع اعتبارات به مناطق کم‌استعدادتر، توان‌های تولیدی مناطق، در بلند مدت، متناسب‌تر افزایش یافته و عدم تعادل‌های منطقه‌ای از میان رود.

اتکای سطح مصرف بر تولید، که در مقیاس ملی (کشوری) از بدیهیات است، در مقیاس منطقه‌ای کمتر مصداق پیدا می‌کند. در این جا مسئله‌ی مربوط به اتخاذ سیاست‌های لازم برای بهبود وضع مناطق کم رشد مطرح می‌شود. این مسئله وظایف و فعالیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد که خود آمیخته از دو بعد اقتصادی و اجتماعی غیر قابل تفکیک است. وظایف اقتصادی مطرح در این زمینه عبارت از برآورده کردن نیازمندی‌هایی است که برای بهبود شرایط زیستی مردم مناطق مختلف کشور در نظر گرفته می‌شود. انتخاب و به‌کار بستن معیارهای علمی در این زمینه هر چند ناکافی باشد، باز هم فواید اجتماعی معینی را در مرحله نخست (با افزایش سطح اشتغال و درآمد مردم) به بار خواهد آورد ولی احتمالاً درآمدهای حاصله بعد از مدتی رو به کاهش خواهد گذاشت. به‌عنوان مثال، زمانی که کاستی در تاثیر معیارهای انتخاب شده پیشین، به‌وضوح ثابت شود و جبران ترک فعالیت آغاز شده را الزام‌آور سازد، این موضوع واقعیت پیدا می‌کند. از سوی دیگر، اقدامات مربوط

به نقطه‌ای بازگشت که سوال مربوط به جدایی جغرافیایی مراکز تولید و مصرف طی آن مطرح شد. این گونه جدایی به روش‌های مختلف و متفاوت نمایان می‌شود و علت و معلول‌های گوناگون دارد. برای مثال، در مورد یک فرد، این جدایی، نتیجه ترک محل کار از ناحیه سکونت و پیوستن آن شخص به مرکز تولیدی در ناحیه دیگر است، که برآیند آن شتاب دادن به رشد حرکت‌ها یا جابه‌جایی‌های جمعیتی^۱ است. در برنامه‌ریزی جغرافیایی توزیع کالاهای مصرفی، خدمات و تسهیلات و همچنین تامین سایر نیازهای مصرفی، در نظر گرفتن معیار توزیع و قابلیت تغییر مکانی نیازمندی‌ها، امری الزامی است. معیار توزیع و قابلیت تغییر مکانی نیازمندی‌ها در سالیان اخیر از اهمیت روز افزونی برخوردار گردیده است زیرا که ترک نواحی مسکونی دایمی توسط افراد و کارکردن در مناطقی غیر از محل سکونت دایمی (رفت و آمد)^۲ خود به صورت پدیده‌ای عادی و روزمره درآمده است. بر اساس اصل توزیع فرآورده‌های مادی کار (مواد خام، محصولات نیمه‌ساخته) باید مسایلی از قبیل ساخت قسمتی یا ساخت کامل کالاها در محل (ناحیه) تولید، یا تعیین این که چه مقدار از کالا در کدام محل ساخته شود، باید پیشاپیش بررسی شود. اما تردیدی نیست که موضوع انجام تمام مراحل تولید در محل تولید نهایی کالا نمی‌تواند تمهیدی فراگیر و ارزشمند تلقی شود.

از دیدگاه برداشت‌های مطرح در جهان امروز، چیزی که برای کل اقتصاد ملی هر کشوری نهایت ضرورت را دارد، همانا رعایت اصل جدایی جغرافیایی مکان‌ها و مراکز تولید و توزیع درآمد ملی است. واضح است که فقط بخشی از درآمد در محل (ناحیه) تولید آن درآمد توزیع می‌شود و از طرفی، درآمد ایجاد شده در بخشی از یک منطقه ممکن است کمتر یا بیش‌تر از مکان‌های همانند و مشابه در دیگر مناطق باشد. این واقعیت، به‌ویژه در برنامه‌ریزی و طراحی انگاره‌های فضایی از اهمیت شایانی برخوردار است. حجم

1- Population movements
2- commuting

انسان و محیط زیست

توسعه متوازن و متعادل در فضا ناشی از یک "توازن" دو سویه است، توازنی که از یک سو، به پیوندهای فضایی انواع فعالیت‌های اجتماعی و از دیگر سو، به پیوندهای میان جوامع انسانی و فضای زیست تبیین می‌شود. رشد متوازن طبیعت به دلیل این باور که قوانین طبیعت به قدر کافی نیرومند هستند که توازن را حفظ کنند و یا به دلیل "ضعف" انسان در دور اندیشی و فرانگری و کمبود توان لازم برای جلوگیری از رخداد های طبیعی در به هم زدن این توازن، اکنون چه به عمد و چه به سهو، دچار سهل انگاری شده است.

توازن طبیعت تنها تا آن جایی نظر انسان را به خود معطوف می‌دارد که جوامع انسانی بتوانند و بخواهند خطرات ناشی از این عدم تعادل را کاهش دهند. فارغ از این که این گونه تمهیدات و چاره‌اندیشی برای حفظ توازن ذاتی طبیعی^۱ با ایجاد تغییرات نامطلوب^۲ و نادرست در یکی از عناصر محیط زیست و با راه اندازی نیروهای محرکه، که خود سایر عناصر را دچار تخریب می‌کند، با اندیشه احیای توازن و تعادل طبیعی سازگار نیست، چرا که به علت غفلت انسان، کلیت و عنیت این توازن ذاتی، با خطری بس سهمگین مواجه است.

تعدیل، تغییر و تبدیل (طبیعی) اساس چرخه تولید را تشکیل می‌دهند و "کار" فرایندی است که انسان از طریق فعالیت‌های خویش آن را محقق ساخته و از آن طریق تبادل انرژی را با طبیعت تحت نظم و کنترل در می‌آورد. بنابراین، تناسب بندی منابع طبیعی توسط انسان باید به عنوان یک الزام اجتناب ناپذیر و ارزش اخلاقی تلقی شود، اما پرسش‌هایی در این زمینه مطرح اند، به این معنا که: چگونه و با چه نتایج و پیامدهایی باید به آن‌ها پاسخ داده شود.

برنامه ریزی فضایی تنها می‌تواند به پاره‌ای از پرسش‌های پیش گفته

به بهبود سطح مصرف در بعد وسیع آن، حتی در مواردی که معیارهای انتخاب شده نمایانگر کامل فعالیت‌های تولیدی نیست، خود می‌تواند موجبات انگیزش و تشویق توسعه تولید و بازدهی بیش تر را فراهم سازد.

به نظر می‌رسد که با اتخاذ سیاست‌های معطوف به افزایش و توزیع اعتبارات از محل صندوق بخش عمومی (خزانه داری)^۱، بتوان به ایجاد ارزشی دست یافت که "زیربنای مصرفی^۲" نامیده می‌شود، که آن هم به نوبه خود موجبات تحریک رشد و بالندگی حال و به ویژه افزایش رشد آتی تولید را فراهم خواهد کرد. بدین سان، تشخیص وجوه افتراق در دو نوع فعالیت (اقتصادی و اجتماعی) در برنامه ریزی مربوط به بارورسازی و افزایش بهره‌وری مناطق کم رشد، بی نتیجه نخواهد بود. بی تردید، باروری و بالندگی مناطق کم رشد، یا مشوق افزایش درآمد آن مناطق شده و یا موجبات تشویق و توسعه تاسیسات و از جمله شبکه مبادلات میان مناطق را فراهم می‌کند. وظیفه اول (اقتصادی) با افزایش تعداد مشاغل (مشاغل تولیدی و غیر تولیدی) از طریق افزایش درآمد از فعالیت‌های مختلف (مانند دریافت حق الزحمه - روزمزدی) تحقق می‌یابد. اما وظیفه دوم (اجتماعی) مستلزم ایجاد موسساتی است که مردم را قادر سازد درآمدهای خود را طبق انگاره‌های ترجیحی خود در زمینه تسهیلات سکونتی، ارتباطات و مخابرات، خدمات بهداشتی، فرهنگی و آموزشی مصرف کنند (بهره‌مندی از این گونه نیازمندی‌ها نباید ربطی به سطح درآمدهای مردم داشته باشد). واضح است که وظایف دوگانه پیش گفته نمی‌توانند از امکان جابه‌جایی و جایگزینی برخوردار باشند و همواره به صورت توأم و مکمل هم مطرح هستند. قائل شدن تمایز میان این دو وظیفه تنها می‌تواند در برنامه ریزی و تدوین معیارها و ضوابط کارساز و در جریان فعالیت‌ها، الزامی و سودمند باشد.

1- Public Fund
2- Consumer Infrastructure

3- Intrinsic Equilibrium
4- Advers Transformation

مکان مناسب در فضا از آن جمله‌اند، که می‌بایست از نقطه نظر زیان‌های محتمل و سهولت مصرف یک نوع از منابع در ارتباط با سرمایه‌گذاری، مورد ارزش‌یابی دقیق قرار گیرد. بر اساس تجربیات تاریخی، تفاوت انسان و جانوران گوناگون در این است که انسان توانایی آن‌را دارد که پیش از شروع یک کار معین نتایج آن را پیش‌بینی کند. در شرایط حاضر، دلایل بسیار اندکی وجود دارند که نظریه برتری جامعه انسانی به جوامع جانوری و قابلیت انسان در تطابق نیازهای خویش با محیط زیست را با تردید مواجه سازند.

◀ پیوستگی عناصر انگاره‌های فضایی

پراکنش، گسترش و توزیع فعالیت‌های اجتماعی و نتایج حاصل، موجب شکل‌گیری و پیدایش انگاره‌های فضایی ویژه‌ای می‌شود. انگاره‌های فضایی باید از دیدگاه مکانی انواع فعالیت‌ها و نتایج حاصل از پیوندهای موجود میان آن فعالیت‌ها مورد توجه قرار گیرند. از این رو، انگاره‌های مزبور در برگیرنده‌ی همه تاسیساتی است که مکانی دایمی داشته و سه ویژگی زیرین در آن لحاظ شده باشد:

(الف) حیات انسان، (ب) ثمرات تولیدی فعالیت‌های انسانی، (پ) حرکات‌های جمعیتی و جریان کالاها و اطلاعات. شمار بسیاری از تأسیسات و تسهیلات زیر بنایی نیز به دو بخش تاسیسات زیربنایی فنی-اقتصادی و زیر بنای اجتماعی تقسیم می‌شود: تأسیسات زیربنایی که خود عناصر تشکیل‌دهنده انگاره‌های فضایی هستند عامل یکپارچگی عناصر مختلف انگاره‌ها از دیدگاه قلمروهای سرزمین^۲ به شمار می‌آیند. این امر به علت وظائف ویژه تاسیسات زیر بنایی، نه تنها شرایط لازم را برای فرایند تولید و برای فرایند مصرف فراهم می‌کند، بلکه خود به عنوان واسطه‌ای بین این دو پدیده عمل می‌کنند، که برقراری ارتباط و پیوند

پاسخ دهد. وظیفه تنظیم و کنترل نیز باید به عهده کسانی محول شود که برنامه‌ریزی و طراحی و یا فعالیت‌های اجرایی‌شان ممکن است به طور مستقیم و یا غیر مستقیم هم در تعادل فضای زیست و هم در توازن اکولوژیک (زیست‌بوم) اثر بگذارند. بعضی از مباحث مربوط به حیطه‌ی پیوندهای جوامع و محیط‌زیست، ارتباط تنگاتنگی با گستره‌ی برنامه‌ریزی فضایی دارند. به ویژه، هنگامی که فضای اقلیمی و جغرافیایی هدف مستقیم این گونه فعالیت‌های انسانی باشد. به همین دلیل، اگر گفته شود که برنامه‌ریزی خود نگاهبان "نظم فضایی"^۱ است سخنی به گراف نرفته است. اصولی که برای بهره‌گیری از نواحی در انطباق با پیش‌فرض‌ها انجام می‌گیرد باید طوری پیش‌بینی و تدوین گردند که امر صیانت و حفاظت منابع طبیعی را تضمین کرده و میل به بهره‌گیری از منابع طبیعی را خرمندانه سازد. از طرفی، فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده جامعه در ارتباط با بهره‌گیری از منابع طبیعی باید از رهنمودها و راهبردهای بسیار معتبری برخوردار باشند، به طوری که اصل استحصال اقتصادی منابع هیچ‌گاه به دست فراموشی سپرده نشود. **پر واضح است که قابلیت بازتولید و بازسازی منابع مصرف شده چندان زیاد نیست لیکن هنوز ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای ماندگاری و پایداری شرایط اقتصادی و زیستی جامعه بشری وجود دارد.**

برنامه‌ریزی فضایی از مزیت شایانی برخوردار است (در بیش‌تر کشورهای دارای نظام برنامه‌ریزی این مزیت به صورت قانونی رسمیت پیدا کرده است)، زیرا که با اعمال آن، برقراری هماهنگی در تمام فعالیت‌هایی که منجر به تغییرات (نه لزوماً با ویژگی‌های تضاد آفرین) محیطی در یک ناحیه می‌شود، در جهت مثبت و ثمربخش امکان‌پذیر می‌شود. بدیهی است که این موضوع به طور کلی در مورد تعهدات مربوط به سرمایه‌گذاری مصداق پیدا می‌کند، تعهدات مربوط به گزینش نوع سرمایه‌گذاری و انتخاب

1- Spatial Orderliness
2- Teritorial Scope

چنان پیوند درونی تنگاتنگ برخوردار دارند که درک پیچیدگی آن‌ها نیازمند داشتن دیدگاهی ژرف و فراگیر در برنامه‌ریزی است و ناممکن است که تصمیم‌گیری‌های روزمره رهنمود جامعی را در این زمینه ارائه کند.

اصولی که رهنمود اساسی تهیه و تنظیم برنامه (طرح) را ارائه می‌کنند، برگرفته از عامل "زیربنا" هستند که از ساخت سه بعدی: تاسیسات زیربنایی، جایگزین‌پذیری محدود^۱ و انتقال ناپذیری^۲ خود آن تاسیسات و همچنین خدماتی که توسط آن ارائه می‌شود، پدیدار می‌شوند. از این رو، باید اندازه و ابعاد تاسیسات (تسهیلات) در انطباق با نیازهای آینده و نیازهای احتمالی (که مقدم بر توسعه تاسیسات زیر بنایی است) پیش‌بینی و مورد تعدیل قرار گیرد. به موازات آن، نوع تاسیسات نیز باید متناسب با انواع نیازمندی‌ها انتخاب شده و مکان تاسیسات نیز به نوبه خود باید با توان توزیع کالاها و خدمات به مصرف‌کنندگان در آینده تطبیق داده شود. دلیل تمهیدات مذکور بسیار روشن است زیرا که هدف از ایجاد تاسیسات، رساندن کالاها و خدمات به مصرف‌کنندگان است.

بدیهی است "اندازه تاسیسات خود تعیین کننده شبکه‌های ارتباطی است و از این رو، میزان امکان دسترسی افراد به کالاها و خدمات از طریق سنجش میزان کثرت مصرف برای ارضای نیازمندی‌ها، و مدت زمان صرف شده توسط مصرف کننده آن نیازمندی برای طی مسافتی معین برای رسیدن به موسسه (زمان انتظار برای دریافت خدمات)، قابل برآورد است". جوامع انسانی همیشه درصدد بوده‌اند که برای فعالیت‌های خود انگاره‌های فضایی تهیه و تدوین کنند و به همین مناسبت، برنامه‌های گوناگونی از این دست را آزموده‌اند، لیکن با وجود این، هنوز هم دلایل کافی وجود دارند که انسان فضای زیست خود را به‌عنوان یک محیط ناباب و ناسالم بیانگارد. البته لازم است یادآوری شود

فاصله‌های موجود میان مناطق، از آن جمله است. انگاره‌های فضایی فعالیت‌های اجتماعی، قلمروهای متفاوتی دارند، قلمروهای: محلی، منطقه‌ای، کشوری، فراکشوری^۱، که با توجه به مقیاسشان از یکدیگر متمایزند. تاسیسات زیربنایی در ارتباط با یکدیگر نه تنها عناصر و مولفه‌های تشکیل‌دهنده انگاره‌ها را به هم پیوند می‌دهند بلکه خود انگاره‌ها را نیز به هم ارتباط می‌دهند و هر چه مقیاس مورد نظر جامع‌تر و وسیع‌تر باشد به همان نسبت تسهیلات مربوط به شبکه "ارتباطات، اطلاعات و ترابری" اهمیت شایانی کسب می‌کنند.

بعد یکپارچگی و همبستگی عناصر انگاره‌های فضایی در بردارنده پاره‌ای وظایف برنامه‌ریزی است که می‌بایست به‌عنوان رهنمودی برای توسعه مکان‌ها و نواحی ناهمگون (متفاوت) به‌کار گرفته شوند، به‌طوری که تناسب میان قلمروهای مولد و غیر مولد همواره رعایت گردیده و موجبات ایجاد شرایط کافی برای توسعه یک ناحیه به‌طور اعم و همچنین توسعه انواع فعالیت‌های محلی به‌طور اخص، در درون ناحیه فراهم آید. لازم است یادآوری شود که در این مقوله آن عواملی مورد نظرند که عناصر مختلف درون یک ناحیه را پیوسته و یکپارچه نگاه می‌دارند. در ضمن تردیدی وجود ندارد که انتخاب معیارهای لازم برای پیوند دادن واحدهای کوچک به واحدهای بزرگ سرزمین (مانند شهر با منطقه و مناطق با سرزمین) از اهمیت زیادی برخوردار است.

برای دستیابی به هدف‌های پیش‌گفته، برنامه (طرح)^۲ باید پاسخگوی سه سوال زیر باشد:

۱- اندازه تاسیسات چقدر باید باشد؟ (در اینجا ظرفیت تولیدی

و عرضه‌ی خدمات مطرح است).

۲- چه نوع تاسیساتی باید در مکان مورد نظر ایجاد شود؟

۳- تاسیسات در چه مکانی باید احداث شوند؟

چنانچه مشاهده می‌شود عناصر "برنامه" یا "طرح توسعه" از

1- Local, Regional, National, Supra-national scope
2- Plan

3- Low Substitutability
4- Nontransferrability

که برداشت مزبور لزوماً بدان معنی نیست که تلاش‌های به‌عمل آمده و یا مقاصد و احیاناً چگونگی اجرای این گونه برنامه‌ها از اساس نادرست بوده است.

به نظر می‌رسد که پافشاری و اصرار در کاربرد انگاره‌های فضایی خاص، بقا و پایداری بعضی از عوامل و عناصر کهن و در نهایت، کاربرد انگاره‌هایی که در گذشته‌های دور و در آن بازه‌ی زمانی مطلوب و مناسب بوده‌اند، علت اصلی عدم توفیق کامل برنامه‌ها یا طرح‌های اجرا شده بوده است. باید اذعان داشت که توسعه کیفی انگاره‌های نوین نیز نیازمند زمان طولانی است و شاید به همین دلیل "مهم‌ترین اصل و بهترین راهبرد در تنظیم و تدوین فعالیت‌های جوامع و آرایش آن فعالیت‌ها (ساماندهی) در فضا، همانا توانایی آینده‌نگری و پیش‌بینی اثرات و پی‌آمد فعالیت‌ها در سرزمین و بررسی بازتاب آن فعالیت‌ها است، که به احتمال زیاد به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم تغییرات مهمی را در فضای زیست پدید می‌آورد."

« برنامه‌ریزی فضایی از دیدگاه اتحادیه اروپایی و نقد کارشناسانه آن »

به‌طور کلی، برنامه‌ریزی فضایی^۱ از دیدگاه اروپایی به روش‌هایی اطلاق می‌شود که "بخش عمومی" (دولت) از آن‌ها در توزیع متوازن و متعادل جمعیت و فعالیت‌ها در مقیاس‌های گوناگون در فضا (محلی، منطقه‌ای، کشوری، قاره‌ای و...)، استفاده می‌کند. برنامه‌ریزی فضایی، انواع رشته‌های تخصصی چون برنامه‌ریزی اراضی، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، برنامه‌ریزی ترابری و برنامه‌ریزی محیط‌زیست را در بر می‌گیرد. همچنین، مباحث دیگری مانند برنامه‌ریزی اقتصادی و برنامه‌ریزی اجتماعی نیز در فرایند برنامه‌ریزی فضایی جایگاه مهمی را به خود

اختصاص می‌دهند. "برنامه‌ریزی فضایی" در سطح‌های: محلی، منطقه‌ای، ملی (کشوری) و بین‌المللی صورت گرفته و در فرجام خود، به تهیه و تدوین "برنامه فضایی" می‌انجامد.

از منظر ادبیات جاری در قاره اروپا، برنامه‌ریزی فضایی به گونه‌های متفاوتی تعریف شده است. در روند تشکیل اتحادیه اروپایی، ابتدایی‌ترین تعریف را می‌توان در منشور برنامه‌ریزی منطقه‌ای/ فضایی اروپایی معروف به منشور تورمولینوس^۲، که در سال ۱۹۸۳ در کنفرانس وزیران مسئول برنامه‌ریزی منطقه‌ای اروپایی^۳ پذیرفته شد، پی‌جویی کرد.

"منشور برنامه‌ریزی فضایی از منظر جغرافیایی، تبیین‌کننده سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی جوامع اروپایی است. در عین حال، برنامه‌ریزی فضایی به یک روش علمی، فن اداره امور و سیاست مبتنی بر رویکردی جامع و چند رشته‌ای، که توسعه متوازن منطقه‌ای را از طریق سازماندهی فیزیکی فضا همراه با تدوین یک استراتژی توسعه همه‌جانبه مد نظر قرار می‌دهد، تعبیر شده است."

از ابتدای پیدایش فن برنامه‌ریزی، سامانه‌های برنامه‌ریزی متعددی در سراسر دنیا، به‌ویژه در منطقه شمال غرب اروپا، شکل گرفته‌اند. برنامه‌ریزی فضایی نیز از اواخر دهه ۱۹۵۰ به بعد دوران تکوین و تکامل خود را آغاز کرده است.

در بخش یکم این نوشتار، رویکرد اتحادیه اروپایی به برنامه‌ریزی فضایی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و با نقد کارشناسانه به نکات ضعف آن اشاره می‌شود. در بخش دوم، برای رفع نکات ضعف مطرح در رویکرد اروپایی به مقوله برنامه‌ریزی توسعه فضایی، از سوی کارشناسان و صاحب‌نظران، پیشنهادات مبتکرانه ارائه می‌شود.

1- Spatial Planning

2- Torremolinos Charter

3- CEMAT

◀ نگاهی به رویکرد برنامه‌ریزی فضایی در اتحادیه اروپایی:

در سال ۱۹۹۹، سندی به نام "چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی" به وسیله‌ی وزیران مسئول برنامه‌ریزی منطقه‌ای کشورهای عضو اتحادیه اروپایی امضا گردید. با وجود این که، چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی از منظر قانونی الزام‌آور نیست اما این سند بر سیاست برنامه‌ریزی فضایی مناطق اروپایی در کشورهای عضو اثری ماندگار برجای گذاشته و به تبع آن، الزامات هماهنگی سیاست‌های توسعه‌بخشی اتحادیه اروپایی در دستور کار سیاسی اتحادیه مزبور گنجانده شده است.

اکنون در سطح اروپایی، اصطلاح "پیوند سرزمینی" بیش از هر زمانی دیگر به‌صورتی فراگیر در لایحه‌های پیمان‌نامه‌های اتحادیه اروپایی (قانون اساسی) به‌عنوان نقطه عطف و "کمال مطلوب مشترک" میان اعضای اتحادیه، کاربرد دارد. اصطلاح "پیوند سرزمینی" در سند تفصیلی میثاق لیسن^۱ نیز به‌کار رفته است. این واژه در سند نشست روتردام در سال ۲۰۰۴ کامل‌تر شده و تحت عنوان "سند سرزمینی ایالتی و افق‌های دوردست اتحادیه اروپایی"^۲ هم به‌کار برده شده است. در سال ۲۰۰۷، در کنفرانس وزیران اروپایی در لایپزیک، یک سند سیاسی به نام "دستور کار سرزمینی" به امضا رسید و بدین‌سان فرایندی که از نشست روتردام آغاز شده بود به فرجام رسید.

اصول توسعه فضایی پیشنهاد شده برای قاره اروپا:

گفتنی است که اصول توسعه فضایی مورد تأکید در این بخش در مخالفت (کارشناسانه) مستقیم با اصول محافظه‌کارانه کمیسیون اروپایی برای "چشم‌انداز توسعه فضایی اروپا" و "کنفرانس وزیران مسئول اروپا برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای" ارایه شده است. شایان توجه این که، خلاصه‌ای از پس زمینه‌های تاریخی هر دو

پیشنهاد (اسناد دوگانه) در وب‌سایت عرضه شده است. ویراست نهایی طرح "کنفرانس وزیران مسئول اروپا برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای"، در تاریخ ۸ سپتامبر ۲۰۰۰ در هانور (آلمان) به تصویب رسیده و نکات مطرح در این گزاره از ویراست پیشین برداشت شده است. در ارایه پاسخ به متن و محتوای هردو پیشنهاد، پس از بررسی‌های لازم، اصول مبتکرانه جامع‌تری به‌عنوان گزینه پیشنهاد شده‌اند.

لایحه‌های "چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی" و "کمیته وزیران مسئول برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای" را چه کسانی و چگونه تهیه و تدوین کرده‌اند؟

طبیعی است که، بدون آگاهی از فرایند تهیه و تدوین این لایحه‌ها، نمی‌توان از محتوای این دو سند سر در آورد. می‌توان گفت که میزان بردباری و جهان‌بینی محدود مولفان این دو سند عامل تعیین‌کننده‌ای در تدوین محتوای سند "چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی" و به میزان کمتری در سند "کمیته وزیران مسئول برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای"، بوده است، زیرا هر دو سند به‌گونه آشکاری لحن ضد مهاجرتی داشته و گویای نوعی "تبعیض‌گرایی" هستند. سند "چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی" به گونه‌ی نامعقول از گزاره‌ها و پژوهش‌های خبرگان برنامه‌ریزی فضایی/منطقه‌ای سطوح ملی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا برداشت شده است. از آنجا که، فرایند تدوین سند فقط برای خبرگان قابل دسترس بوده است، لذا برداشت‌ها بیش‌تر گزینشی (سلیقه‌ای) بوده است. با توجه به پیشینه‌ی آموزش در زمینه برنامه‌ریزی، دست‌اندرکاران این پیشنهادها بیش‌تر افراد (مردان) بی‌علاقه به مهاجرت و متعلق به طبقات اجتماعی متوسط و بالا در هریک از کشورهای عضو را نمایندگی کرده و تمایلات عمومی جوامع اروپایی را در نظر نگرفته‌اند. از این رو، فرایند تدوین لایحه‌ها بیش‌تر بیانگر بینش و ذهنیت افرادی است که از ساختار اجتماعی و فضایی

1- ESDP

2- Lisbon Treaty

3- ESPON Program

در لوبلیانا برگزار شد، یکی از مبانی اثرگذار در تدوین سند برنامه توسعه منطقه‌ای اروپا بوده است.

از محافظه‌کاری تا نوآوری:

به‌منظور تشخیص محافظه‌کاری اعمال‌شده توسط پدید آورندگان دو سند برنامه توسعه فضایی و برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، می‌توان از منظر گستردگی دامنه‌ی گزینه‌های سناریو برای آینده فضایی اروپا، آن دو را مورد بررسی و نقد قرار داد. می‌توان گفت که پدید آورندگان هردو سند، پیشینه تجربی بسیار محدودی به لحاظ تعلق به طبقه اجتماعی خاص، حرفه پدری، تحصیل در مدرسه و دانشگاه، فعالیت و سوابق خدمتی، داشته‌اند. آنان افرادی تنگ نظر بوده و از هر چیزی که فراتر از تجربه‌ی محدودشان بوده است، هراس داشته‌اند. از این رو، جای شگفتی نیست که یک چنین گروهی نتواند گزینه‌های سناریویی متعدد را مورد بررسی و امان نظر قرار دهد. عناوین زیر سناریوهایی هستند که پدید آورندگان می‌توانستند آن‌ها را مورد توجه قرار دهند:

- اجتناب از تشویق دولت مذهبی (با اعتلای موقعیت پاپ، که چند سال پیش در ایتالیا رخ داد).
- سرعت دادن عمدی به مقوله مهاجرت از طریق اعطای یارانه به کوچ‌های درون اتحادیه.
- گرایش به اروپای متکی بر ذهنیت فرا نسلی^۱، و پیراسته از فضای میراث گذشته.
- اروپای پایدار: اجتناب از تاکید بر حفاظت بیش از حد توان زیست‌بوم اروپایی.
- اروپای اسلامی: برآورد آثار آن در ساختار فضایی آینده؟
- زدودن برخی انگاره‌های فضایی از رخسار اروپا، به‌ویژه انگاره‌های مبتنی بر ملی‌گرایی.
- تاکید بر یک دولت اروپایی، با توجه به ساختارهای فضایی اروپا.

موجود رضایت کامل داشته و در صدد حفظ این ساختارها هستند. بنابراین طبیعی است که یک چنین گرایشی موجبات تدوین این‌گونه سندهای محافظه‌کارانه را بدون در نظر داشتن تبعیض‌های نهادینه موجود در اتحادیه اروپا فراهم کرده است.

به همین دلیل، مردود شمردن سناریوهای جایگزین نه تنها جنبه‌ای از رویکرد اعمال شده بوده است، بلکه هیچ گزینه سناریویی هم مورد ارزیابی تدوین‌کنندگان اسناد قرار نگرفته است. سند چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی تنها با اتکا به موقعیت آکادمیک تدوین‌کنندگان آن توانسته است به جهان‌بینی محدود خود مشروعیت بخشد. سند کمیته وزیران مسئول برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای بیش از سند چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی به به یک سند وزارتی شباهت دارد. کما این که، این سند معرف کمیته وزیران است که بر دخالت دادن مستقیم ترجیحات سیاسی در فرایند تدوین سند دلالت دارد. در هر حال، این سند همانند همتای خود (سند چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی) توسط گروه محدودی از خبرگان، در محفلی نیمه‌پنهان تنظیم و تدوین شده است، که عدم انتشار هیچ‌گونه پیش‌نویسی از آن، شاهدهی بر این مدعا است.

در هریک از کشورهای عضو اتحادیه نیز همان افراد با همان ویژگی‌ها در تهیه و تدوین هردو سند دخیل بوده‌اند. قراین موجود نشان می‌دهند که اگر مردم به سیاست‌گذاران (سطح وزارتی) دسترسی نداشته‌اند، اما دست کم "لابی‌کننده‌ها" می‌توانستند به آنان دسترسی داشته باشند.

سندهای تدوین شده حداقل از سه جهت (لابی‌گری) تحت تاثیر قرار گرفته‌اند: تجارت آزاد لیبرال، لابی سازگار با طبیعت اروپایی، و احزاب روستایی محافظه‌کار (در اروپای شرقی، طی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ چندین حزب روستایی "رعیت‌پناه" فعال بودند که از سال ۱۹۸۹ به این سو، دوباره فعال شده‌اند). شورای اروپایی با برگزاری سمیناری (۱۹۸۸) در باره نواحی روستایی، که

• اروپای فارغ از (زبان‌های) ترابری خودرو (اتومبیل) محور. بی‌توجهی به گزینه‌های مذکور نشان می‌دهد که پدیدآورندگان هر دو سند از شایستگی لازم برای تدوین سندهای مبتکرانه برخوردار نبوده و نپرداختن آن‌ها به این مقولات، بیانگر عدم تمایل آن‌ها برای تهیه و تدوین برنامه جامع برای توسعه فضایی و منطقه‌ای اروپا بوده است.

هدف‌های اجرایی سند توسعه‌ی فضایی و سند برنامه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای اروپا:

در هر دو سند یاد شده، از ورود به مباحث اخلاقی اجتناب شده و وضع موجود مطلوب تلقی گردیده است. برای مثال: مقوله‌ی "عدالت فضایی"، به هیچ روی به‌عنوان یک هدف مطرح نشده و رابطه آن با سایر هدف‌ها نادیده مانده است. در سند برنامه توسعه فضایی اتحادیه اروپایی، در حالی که یک چهارم مساحت اتحادیه برای "میراث طبیعی" اختصاص یافته است، اما چیزی برای عدالت، برابری، یا برای سایر ارزش‌های اخلاقی، اختصاص داده نشده است.

نادیده ماندن این گونه مسایل آشکارا بازگو کننده ارزش‌های ناپیدای دیگری است که در قالب هدف‌های سیاسی بیان شده‌اند و ارزش‌هایی که به‌طور ضمنی بیان شده‌اند، مبین ارزش‌های پنهان نیستند.

برنامه توسعه فضایی اتحادیه اروپایی، اهداف سه‌گانه: پیوند اقتصادی و اجتماعی، حفاظت منابع طبیعی و میراث فرهنگی، و قدرت رقابتی متوازن سرزمین اروپایی را در کانون توجه قرار داده است. این برنامه، دربرگیرنده سه دسته رهنمود سیاستی برای توسعه فضایی اتحادیه اروپایی است که شامل موارد زیر می‌شود:

- توسعه سامانه متعادل شهرهای چند کانونی و توسعه مناسبات نوین عمران شهری - روستایی.
- تامین دسترسی‌های برابر به زیرساخت‌ها و مراکز علم و دانش.
- توسعه پایدار، مدیریت کارآمد و حفاظت از طبیعت و میراث فرهنگی.

با امتداد "اهداف سه‌گانه" به آینده محتمل، "چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی با تراکم اندک در حومه شهری توأم با کانون‌های خدمات متمرکز (شهرهای حاشیه‌ای) و احداث جاده‌های بیش‌تر"، به تصویر کشیده می‌شود. تجسم افق دوردست این برنامه، "راه سوم تونی بلر" را به ذهن متبادر می‌کند، یک اروپای شایسته‌سالار متکی بر آموزش، که بر اساس آن، جامعه به "عرصه‌ای از رقابت میان استعدادها" تعریف شده است. این رویکرد از نیمه پنهان گرایش به: "اروپا به مثابه یک پارک میراث" خبر می‌دهد.

اما سند شورای برنامه‌ریزی برای توسعه منطقه‌ای اروپایی مثال‌هایی از اهداف بنیادین را به شرح زیر مطرح نموده است:

- اعتلای هویت منطقه‌ای و تنوع پذیری، به‌عنوان مولفه‌ای نیرومند برای توسعه پیوندهای اجتماعی و توسعه منطقه‌ای.
- تشویق توسعه اجتماعی - اقتصادی متوازن مناطق و کاهش تمایل به مهاجرت‌های دوردست.
- ارتقای توسعه فضایی کیفی به‌منظور افزایش قدرت رقابتی و جذابیت بیش‌تر مناطق.

از جمع سه هدف بنیادین فوق می‌توان چنین برداشت کرد که استراتژی رقابت میان منطقه‌ای برای جلب سرمایه‌گذاری داخلی، همراه با رویکرد به میراث فرهنگی سنت‌گرا، در هریک از مناطق (اتحادیه) مد نظر پدید آورندگان سند بوده است. گرایش ضد مهاجرت که آشکارا در سند برنامه توسعه فضایی پررنگ است، در سند برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، به‌صورتی موکد مطرح شده و این سند خواهان توقف مهاجرت، یا معکوس کردن روند کاهش کنترل‌های مرزی (میان کشورهای عضو اتحادیه) است که به وضوح، لحنی نژادپرستانه دارد.

بخش دیگری از سند سیاسی شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای به اهداف اجرایی فضایی دستاورد برنامه‌ریزان و جغرافی‌دانان می‌پردازد. متأسفانه، این نگرش چیزی فراتر از تعدادی از کلیشه‌های برنامه‌ریزی بی‌اصالت ارائه نمی‌کند که این‌ها، هدف‌های برنامه توسعه فضایی و منطقه‌ای در عبارات شعار گونه‌ای چون: اروپا با پارک‌ها، جاده‌ها، میراث و اینترنت

بیش‌تر، به شرح زیر خلاصه شده‌اند:

- تشدید تکانها و ضرب آهنگ توسعه از طریق ارتقای عملکرد شهری و مناسبات بهینه شهری- روستایی.
- ایجاد شرایط تعادلی بهتر در برخورداری از دسترسی‌ها، ارتباط بهتر نواحی روستایی با محورهای عمده، با اجتناب از حلقه‌های مفقوده.
- توسعه دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی و دانش‌سرایی و اصلاح و بهبود شبکه‌های مخابراتی.
- حفاظت زیست‌بوم‌ها با کاهش آسیب‌های وارده به آن‌ها.
- تقویت منابع و میراث طبیعی و بازآرایی شبکه‌های زیست‌بوم، حفاظت فضای سبز، بهبود مدیریت و برنامه‌ریزی امور مربوط.
- اعتدالی میراث فرهنگی به‌عنوان یک عامل برجسته توسعه.
- توسعه منابع انرژی همراه با تامین تسهیلات مورد نیاز و تکمیل شبکه‌های انتقال در سطح فرامرزی اروپایی.
- سازمان‌دهی انتقال انرژی از منطقه دریای خزر و شرق روسیه به اروپا.

بررسی برنامه‌ی توسعه‌ی فضایی و برنامه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای اروپایی از منظر چشم‌انداز توسعه‌ی شهری:

هر دو سند توسعه (فضایی و منطقه‌ای) یک نظام توسعه شهری چند کانونی توأم با مناسبات شهری- روستایی را مورد تاکید قرار داده‌اند، که نشان دهنده‌ی پذیرش انفعالی روند موجود است. گفتنی است که استراتژی انتخاب شده، بر توسعه پهنه‌های طبیعی بکر^۱، خوشه‌های پیرامونی در برگرفته "کانون‌های میراث طبیعی" شهرک‌ها و شهرها، پراکنش جمعیت از شهرهای بزرگ به سوی نواحی پیرامونی، و انتخاب قطعی "خودرو" به‌عنوان تنها "وسیله ترابری اروپایی"، تاکید می‌ورزد.

با وجود این‌که هر دو سند یاد شده از ساختار متوازن شهرها پشتیبانی می‌کنند، اما هیچ‌گونه معیار عملیاتی برای ایجاد توازن

در نظر گرفته نشده است، که می‌توان آن را به پراکنش جمعیت به دامنه‌های حاشیه شهری تعبیر کرد. در سند توسعه فضایی اروپا معلوم نیست که شعار برابری در دسترسی به زیرساخت‌ها، به کدام زیرساخت‌ها اشاره دارد؟ گو این‌که، اسناد تامین مالی منطقه‌ای اتحادیه اروپا مبین آن است که واژه "دسترسی" همواره به "جاده‌های جدید" تعبیر شده است.

یکی از اهداف سه‌گانه سند توسعه فضایی اروپایی (ویراست نهایی) بر "توسعه متوازن نظام شهری چند کانونی و مناسبات جدید شهری- روستایی"، تاکید دارد. این هدف با وجود این‌که به چند گزینه سیاستی متعدد و متضاد تقسیم شده است، اما در واقع، در بردارنده منافع انواع "لایه‌های (میان‌دارهای) دست‌اندرکار در اتحادیه‌ی اروپایی است. توجه به نکات زیر می‌تواند این برداشت را مورد تایید قرار دهد:

- تاکید بر استراتژی‌های توسعه فرامرزی، که بر اساس آن تنها شماری از پهنه‌های بزرگتر و نواحی پیرامونی که با هدف هم‌پیوندی اقتصادی اعضای اتحادیه با وظایف و خدمات فراگیر توأم با کیفیت بالا تجهیز می‌شوند، تقویت می‌گردند.

- تقویت نظام متوازن شهرهای بزرگ چند کانونی، خوشه‌های شهری، ایجاد شبکه‌های شهری از طریق برقراری تعامل میان سیاست‌ساختاری و سیاست شبکه‌های فرا اروپایی، همراه با بهبود پیوندها میان شبکه‌های ترابری بین‌المللی/ ملی- منطقه‌ای/ محلی.

- ارتقای استراتژی‌های توسعه فضایی هم‌پیوند خوشه‌های شهری در هریک از کشورهای عضو اتحادیه در چارچوب همکاری فراملی و فرامرزی، که در برگرفته نواحی روستایی، شهرهای کوچک و شهرک‌های هریک از اعضای اتحادیه است.

- تاکید بر تقویت همکاری در عرصه‌های خاص توسعه فضایی با ایجاد شبکه‌های فرامرزی و فراملی.

- تشویق همکاری در سطح منطقه‌ای، نواحی مرزی و فراملی شهرک‌ها و شهرهای کشورهای عضو واقع در شمال، مرکز و

شرق اروپا و منطقه مدیترانه، و تقویت ارتباطات شمال- جنوب در اروپای مرکزی و شرقی و همچنین ارتباطات غرب- شرق در شمال اروپا.

سند برنامه توسعه فضایی میان مناطق بزرگ شهری واقع در مرکز اروپا و سایر مناطق، یعنی انگاره پنج ضلعی: "لندن- پاریس- میلان- مونیخ- هامبورگ"، و سایر شهرها، تمایز قایل شده و چندین شهر جدید شبه‌مرکزی را نیز مطرح کرده است. با اجرای طرح مفهومی توسعه شهری چندکانونی، هم‌پیوندی اقتصادی چند ناحیه پویا تامین شده و به‌گونه‌ی مطلوبی در گستره‌ی اتحادیه توزیع گردیده و در نهایت شبکه‌ای به وجود می‌آورد که از طریق آن دسترسی بین المللی به مناطق شهرهای بزرگ و حوزه‌ی نفوذ آن‌ها امکان‌پذیر می‌شود.

سند برنامه توسعه منطقه‌ای اروپا نیز مانند سند همتای خود، بر توسعه شهری چند کانونی تاکید می‌گذارد. مهم‌ترین پیشنهاد مطرح در این سند، **استراتژی توسعه شهرهای برگزیده^۱**، **به‌عنوان شهرهای دروازه‌ای^۲** است. عدم توازن‌های مشهود توسعه در سند آشکارا بر انگاره‌ی ساختار "کانون- پیرامون" دلالت دارد و برنامه توسعه منطقه‌ای بر آن است که این وضعیت را با متمرکز ساختن رشد در شمار محدودی از شهرهای دروازه‌ای به‌صورت یک شبکه سازماندهی شده، جایگزین کند (شایان توجه این که این اصطلاح در سند برنامه توسعه فضایی اروپایی نیز به‌صورت متفاوتی تحت عنوان "درگاه" یا "قطب" توسعه یاد شده است). در هر حال، سند برنامه‌ی توسعه منطقه‌ای به‌صورت تلویحی این مدل توسعه را به دیدمان "لیبرال نو" توسعه سراسری اتحادیه اروپایی تعبیر کرده است. در این سند، شماری از نواحی مهم رشد به‌عنوان شبکه‌های شهری سازماندهی شده‌اند که با ایجاد پویایی و به کمک اقتصادهای خارجی، جلب سرمایه‌های بیش‌تر، از طریق تامین ارتباطات، و برقراری مبادلات با قاره‌های

دیگر و مناطق جهان، اجرای برنامه را امکان‌پذیر کند. فهرست نقشه‌های پیوست در انتهای سند (پیش‌نویس) حاوی نقشه‌ی پیشنهادی شهرهای دروازه‌ای و قطب‌های عمده‌ی بین‌المللی است. در واقع، فهرست شهرهای دروازه‌ای، بر شهرهای آینده دلالت دارد و شهرهایی که در این فهرست قرار نگرفته‌اند، موقعیت شهری درجه ۲ را به خود اختصاص می‌دهند. این نقشه به این دلیل که بازگوکننده تصمیمی دردناک بوده است، در ویراست نهایی سند از آن حذف شده است.

سند های دوگانه‌ی برنامه‌ی توسعه‌ی فضایی و منطقه‌ای اروپایی از دیدگاه "ملت- دولت"^۳:

هیچ یک از دو سند، گرایش‌های "ملت-دولت" را زیر سوال نبرده‌اند. سند برنامه‌ی توسعه فضایی بر استمرار دیدمان "ملت- دولت" در داخل اتحادیه تاکید می‌ورزد. شایان توجه این که، به هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اختیار داده شده است که در صورت نیاز به گرفتن یارانه برای پیشبرد این گرایش، به آن متوسل شود (ردیف ۴-۱ سند مزبور). طبق این سند، سیاست توسعه منطقه‌ای به منطقه‌های فرامرزی معطوف است که بر اساس آن، تنها خوشه‌های دولت‌های محلی تحت پوشش قرار گرفته و اصل "توسعه واحدهای جغرافیایی اقتصادی و سیاسی" در آن نادیده انگاشته شده‌است (ردیف ۴-۳ سند مزبور). مناطق فرامرزی ترسیم شده در محدوده‌ی اتحادیه اروپایی^۴، مناطق دریای شمال و دریای بالتیک، اروپای مرکزی، دریای آدریاتیک، و منطقه دانوب و اروپای جنوب شرقی^۵ را در بر می‌گیرد.

سند توسعه منطقه‌ای اروپایی نیز حق حاکمیت هر یک از اعضای اتحادیه را به رسمیت شناخته اما در عین حال، هم‌گرایی‌های منطقه‌ای را مجاز شمرده است. این سند، در تشویق منطقه‌گرایی (بند ۳.A۲.۱) صراحت دارد: "تشویق تنوع منطقه‌ای برای مقابله

1- elite cities
2- Gateway
3- nation-state

4- INTERREG
5- CADSES

با روندهای وحدت‌گرایانه طی فرایند یکپارچه‌سازی اتحادیه اروپایی، الزامی است. شایان توجه این‌که، حامیان دیدمان "اروپای متشکل از ملت- دولت‌ها" به‌جای این‌که بر "تنوع منطقه‌ای" تاکید ورزند، بر "تنوع ملی"، تاکید نهاده‌اند. پیشنهاد مطرح در این سند، قرآینی از "لابی" پشت پرده را خبر می‌دهد، چرا که "جامعه سنت‌گرا" به‌عنوان تنها گزینه تلقی شده است که به هیچ روی، شایسته‌ی یک "جامعه تجاری شده" نیست. این سند با تقویت دیدمان "میراث هویتی" در سطح منطقه‌ای، شاید مدعی تخفیف دادن اثرات سیاست‌های نئولیبرال باشد، اما به جرات می‌توان گفت که این رویکرد به ظهور "اروپای لیبرال سنت‌گرا" منجر خواهد شد که با منشور اروپای متحد یکپارچه در تضاد آشکار خواهد بود.

رویکرد اتحادیه اروپایی نسبت به مهاجرت:

هر دو سند رویکرد ضد مهاجرتی داشته و مهاجرت کنونی را نادرست تلقی می‌کنند. از منظر آنان باید از مهاجرت اجتناب شود. مطالعات توسعه‌ی منطقه‌ای انجام شده از سوی کمیسیون مهاجرتی اروپایی، به مهاجرت درون اتحادیه نگاه منفی دارد. طبق این سند (ویراست - ۱۹۹۹، بند ۲۱-۲) چنین آمده است: "در بسیاری از نواحی پیرامونی مناطق اتحادیه اروپایی "مهاجرت"، تداوم عرضه خدمات عمومی و خصوصی را به مخاطره می‌اندازد". در هر صورت، سند چشم‌انداز توسعه فضایی در رویکرد به دیدمان ضد مهاجرتی، لحنی به تندی سند کمیته برنامه‌ریزی منطقه‌ای ندارد زیرا این سند به واقعیت جمعیت شناختی اروپا بی‌توجه نیست. سند کمیته برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بیانی صریح در زمینه دیدمان ضد مهاجرتی دارد (بند ۴۰.۲ A) و بیش‌تر اروپای شرقی را هدف گرفته است. طبق این سند، حفظ و نگهداشت جمعیت کشاورزی در روستاها امری الزامی است و به هر ترتیب باید از مهاجرت‌های بی‌رویه به نواحی دوردست جلوگیری شود. این

سند بر خلاف سند همتای خود، کاهش نرخ مهاجرت را توصیه می‌کند (بند ۲.۲ A):

"برای تحقق توسعه اجتماعی- اقتصادی متوازن، برنامه‌ریزی فضایی سهم عمده‌ای در مقابله با تمایل به مهاجرت به نقاط دوردست بر عهده دارد. جابه‌جایی جمعیت در مسافت‌های بعید، اثر ناپایدار کننده‌ای در ساختار اجتماعی و پیوستگی نواحی متروک و نواحی مهاجرپذیر دارد. به همین دلیل، لازم است که شهر وندان اروپایی در کشور خود و مناطق سکونت اصلی (زادگاهی) به زندگانی خویش ادامه دهند."

بنا به دلایل پیش‌گفته، احزاب ضد مهاجرت در اروپای غربی، و احزاب سنت‌گرا در اروپای شرقی در مخالفت با مهاجرت از اروپای شرقی به اروپای غربی اتفاق نظر دارند. اما در هر حال، استراتژی پیشنهادی این سند در زمینه توسعه روستایی در مقیاس خرد، به احتمال زیاد، جریان‌های مهاجرتی را تحت تاثیر قرار نخواهد داد. در بسیاری از نواحی اروپا، کاهش جمعیت روستایی روندی عادی تلقی شده است.

اتحادیه اروپایی و سیاست‌های توسعه‌ی فضایی:

دو اصل بنیادین لیبرالیسم در هر دو سند توسعه فضایی و کمیته برنامه‌ریزی منطقه‌ای اروپایی منظور شده‌اند. فلسفه‌ی لیبرالیسم، موافق "پدیداری" و مخالف "آرمان‌گرایی" است.

واژه "پدیداری"^۱ که در میان لیبرال‌های سایبری (سیرنیتیک) محبوبیت دارد، نمایان‌گر جهانی است که از تعامل پارامترهای معین پدید آمده است. به باور لیبرال‌ها، بازار آزاد نیز یک چنین ساختاری داشته و جهان محصول تعامل نیروهای بازار است و چیزی که حاصل نیروهای بازار نیست نباید وجود داشته باشد. لیبرالیسم سیاسی نیز یک چنین محدودیتی را بر جهانی که محصول تبادل آزاد افکار و عقاید است، روا می‌دارد. از دیدگاه لیبرالیست‌های ناب، حتی جهان "طراحی‌شده" در صورتی که محصول تعامل نیروهای

و ASEAN (پیمان همکاری‌های اقتصادی آسیای جنوبی و اقیانوسیه) می‌انگارد. در این سند، راستای تجاری اتحادیه اروپایی به سوی آسیا و خاورمیانه نشانه‌گیری شده است و اتحادیه در صدد دستیابی به یک کریدور مبادلاتی در روسیه، کشورهای حاشیه‌ی دریای سیاه و یونان (معروف به خط لوله نفتی ماورای خزر، که از نظر تحلیل‌گران اهمیت استراتژیک بسزایی دارد) است.

اتحادیه‌ی اروپایی و تراکم جمعیت:

رویکرد سندهای توسعه فضایی و برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای اتحادیه‌ی اروپایی نسبت به میزان تراکم جمعیت در مراکز جمعیتی اروپایی غیر منطقی است. در اسناد اولیه توسعه فضایی اروپایی، تراکم پایین جمعیتی، منفی انگاشته شده و این موضوع به متروکه شدن مراکز جمعیتی تعبیر شده است. اما تراکم جمعیتی پایین چرا باید نادرست پنداشته شود؟ به نظر می‌رسد، پندار "میراث اروپایی" هنوز در اروپا نقشی غالب دارد. در اسناد پایه، برتری زنجیره‌های تک‌خانوارهای اسکان یافته در حاشیه جاده‌ها در اروپا از دیدمان کهن "میراث اروپایی" حکایت می‌کند. در سند توسعه فضایی اروپایی، کاهش نرخ مهاجرت درون اتحادیه (درون کوچی) نه تنها به‌مثابه یک هدف بنیادین تلقی نشده است بلکه این سند بر ترویج مشارکت میان شهر- روستا تاکید دارد که می‌توان آن را به گرایش به تراکم پایین جمعیتی تعبیر کرد. سند کمیته‌ی برنامه‌ریزی منطقه‌ای آشکارا بر "توسعه متوازن" نواحی تاکید می‌ورزد و توسعه‌ی مخالف با مهاجرت و گریز از اثر "بی‌ثبات‌کننده" آن را به ذهن متبادر می‌کند. این سند به صراحت توصیه می‌کند که اروپاییان در خاستگاه (زادگاه) خویش اقامت و زندگی کنند. با تلفیق این دیدمان با نظریه پشتیبانی از توسعه روستایی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تداوم جریان‌های کوچ از روستاها به شهرها در عمل منع شده است.

بازار نباشد، آرمان‌گرایانه بوده و قابل پذیرش نیست.

فیلسوفان دوره جنگ سرد، برنامه‌ریزی را امری آرمان‌گرایانه پنداشته و آن را به استبدادگرایی تشبیه می‌کردند. این‌گونه پندار ضد آرمان‌گرایی لیبرال را می‌توان در هر دو سند اتحادیه اروپایی مشاهده کرد. هر دو سند ویژگی‌های پذیرش منفعلانه اثرات فضایی بر بازار آزاد را از خود بروز داده و اصرار دارند که اروپا با اصول نئولیبرالیستی اداره شود، به گونه‌ای که در آن تنها "قابلیت رقابتی" نقش عمده را ایفا کند.

هر دو سند بر حمایت بی‌دریغ از کسب و کار و کارآفرینی تاکید دارند. بخشی از سند توسعه فضایی اروپایی، این اتحادیه را با پیمان مرکوسور^۱، که اتحاد اقتصادهای بالنده‌ی کشورهای آمریکای جنوبی را نوید می‌دهد، مقایسه می‌کنند. رویکرد نئولیبرالی اروپایی که بیش از همه توسط بریتانیا پشتیبانی می‌شود، در سند توسعه فضایی اتحادیه اروپایی جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص داده است. سند اظهار می‌دارد: "قابلیت رقابتی اتحادیه اروپایی در مقیاس جهانی نیازمند ادغام همه‌جانبه مناطق اروپایی در اقتصاد جهانی است."

از نقطه نظر مبادلات داخلی، سند توسعه فضایی اروپا به‌مثابه یک بازار بزرگ تلقی می‌شود، با این رویکرد که: تنها منطقه‌ها هستند که می‌توانند به تشکیل نیروی کار، اطلاعات و بازارهای ارتباطات مبادرت کنند. از این رو، "منطقه"^۲ باید به‌عنوان مناسب‌ترین سطح برای "اقدام"^۳ تلقی شود. این رویکرد مبین یک جامعه‌ی مبتنی بر بازار آزاد است، جامعه‌ای که تنها با دیدمان نئولیبرال دمساز است.

سند کمیته برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای بر جنبه‌ی قاره‌ای تاکید گذاشته و هویت اروپا را به مثابه یک بلوک تجاری قابل مقایسه با بلوک‌های تجاری MERCOSUR (موافقتنامه تجاری آمریکای لاتین)، NAFTA (موافقتنامه تجاری آمریکای شمالی)

۱- MERCOSUR: موافقتنامه همکاری اقتصادی- سیاسی (بازار مشترک) میان کشورهای: آرژانتین، برزیل، پاراگوئه، اروگوئه، ونزوئلا (سال ۱۹۹۱)

2- region

3- action

اتحادیه‌ی اروپایی و ترابری خودرو - محوری:

یکی از سه هدف سیاستی سند توسعه فضایی اروپایی، امکان دسترسی به زیر ساخت‌ها را نشانه گرفته است. بی‌تردید، این رویکرد به احداث جاده‌های بیش‌تر تعبیر می‌شود و افزون بر آن، سایر اسناد اتحادیه نیز این سیاست را مورد تایید قرار داده‌اند و صندوق‌های منطقه‌ای و شبکه ارتباطی پان‌اروپایی ساخت جاده‌های جدید را بر عهده خواهد گرفت. بند ۲-۳-۳ سند توسعه فضایی عنوان می‌کند:

"بدون اصلاح و بهبود زیرساخت‌های ترابری و حمل و نقل، نابرابری‌های موجود فضایی در دسترسی به زیر ساخت‌ها قابل کاهش نخواهد بود. بنابراین، بهبود اساسی زیرساخت‌های موجود به چیزی به مراتب بیش‌تر از برطرف کردن حلقه‌های مفقوده در گستره‌ی ترابری پان‌اروپایی نیاز خواهد داشت."

برنامه کنونی ترابری اروپایی، نگرش سیاستی این اتحادیه را به تصویر می‌کشد. با وجود این که، کریدورهای نه (۹) گانه‌ی پان اروپایی از زاویه دیدمانی، خطوط ریلی و جاده‌ها را در بر می‌گیرد، اما در عمل، تنها منابع مالی کافی برای احداث جاده‌های جدید در نظر گرفته شده و هیچ‌گونه وجوهی برای احداث خطوط ریلی جدید تخصیص داده نشده و تاریخی نیز برای تکمیل اصلاح و بهسازی مسیرهای موجود تعیین نگردیده است. برای کریدور "دورس وارنا" نیز هیچ‌گونه خط ریلی در نظر گرفته نشده است. در واقع، اتحادیه اروپایی تنها وجوه مورد نیاز برای احداث جاده‌های جدید را تامین می‌کند اما حتی برای مرمت و نگهداری تاسیسات موجود و جبران کاستی خطوط ریلی محل تامین اعتباری در نظر نگرفته است. سند توسعه فضایی در زمینه‌ی سایر کریدورها نیز تبعیض روا داشته است، از جمله:

بند ۲۴- تقویت شبکه ثانوی و ارتباطات آن با شبکه ترابری فرا اروپایی، شامل سیستم‌های ترابری عمومی کارآمد منطقه‌ای.
بند ۲۵- توزیع کافی بنادر دریایی و فرودگاه‌ها (دروازه‌های

جهانی) اصلاح و بهسازی ارتباطات با منطقه حوزه نفوذ.
بند ۲۶- اصلاح و بهسازی ارتباطات ترابری با مناطق پیرامونی و مناطق فرا پیرامونی.
بر اساس اسناد برنامه‌ریزی اروپایی، واژگانی چون: "ارتباط" و "زیرساخت ترابری" به جاده تعبیر می‌شود مگر در مواردی که به غیر آن اشاره رود. از آنجا که شبکه‌های ثانوی ترابری همواره جاده‌ها را در برمی‌گیرند، لذا مراد از "اصلاح و بهبود" همان احداث جاده‌های بیش‌تر است.

اتحادیه‌ی اروپایی و اروپای موزه‌ای:

هر دو سند توسعه فضایی و توسعه منطقه‌ای اروپایی به گونه‌ای متعصبانه بر میراث هویت و سنت اروپایی تاکید گذاشته و همه راه‌ها را به: "اروپا به مثابه قاره‌ی موزه‌ای جهان" ختم می‌کنند. بر اساس این اسناد، فرهنگ کهن اروپا باید ترسیم کننده سیمای آینده اروپا باشد؟! آری، سند برنامه توسعه فضایی اروپایی بازتاب دهنده تعصب ناب میراث و هویت اروپایی است. میراثی که نمایان کننده‌ی ویژگی‌های بارز نهادهای اروپایی است. بخش B بند ۲.۴.۴ سند توسعه فضایی عنوان می‌کند:

"میراث فرهنگی مترادف با ارزش‌های تاریخی، زیباشناختی و اقتصادی برای جوامع محلی، منطقه‌ای، و ملی است. کیفیت و تنوع این میراث برای اتحادیه‌ی اروپایی، برای سراسر اروپا و به‌طور کلی برای جهان، واجد اهمیت بسیار است."

همچنین در تبیین اهداف سیاستی (بند ۳.۴.۴) در زمینه "منظر فرهنگی" این‌گونه آمده است: "منظرهای فرهنگی با اصالت خود به تعالی هویت محلی و منطقه‌ای کمک کرده و تاریخ رفتار و تعامل انسان با طبیعت را به نمایش می‌گذارند". تردیدی نیست که این‌گونه سیاست‌ها از ملی‌گرایی فرهنگی محافظه‌کارانه، به‌ویژه ملی‌گرایی سوسیالیستی (نئونازیسم) الهام گرفته و بر شکل‌گیری جامعه بر بنیاد تعامل با یک مکان خاص^۱ دلالت دارند. برنامه‌ی

توسعه فضایی در برگیرنده‌ی گزینه‌های سیاستی زیر است:
بند ۵۷- ادغام استراتژی‌ها برای حمایت از میراث فرهنگی که در معرض مخاطره قرار گرفته است.

بند ۵۸- اصلاح و بهسازی طراحی خلاقانه خوشه‌های شهری.
چنانچه مشاهده می‌شود، گزینه‌ی بند ۵۸ بر استراتژی توسعه میراث تاکید می‌کند که در هر صورت، در اغلب نقاط اروپا به‌عنوان یک واقعیت مطرح بوده و بدیل کاملی برای مراکز شهری به‌شمار می‌آید. گفتنی است که دولت‌های استالینیستی، فاشیستی و حتی دموکراتیک در اروپا، جملگی مجری این‌گونه طرح‌ها بوده‌اند. اگرچه اجرای این‌گونه طرح‌ها نمی‌تواند توجیه‌کننده اقدامات آنان قلمداد شود. منظرهای فرهنگی به‌عنوان محل‌های تفریحی- سرگرمی (بند ۳۴.۴) تلقی شده‌اند. میراث مسیحی در سند برنامه‌ی توسعه فضایی مورد تاکید قرار گرفته است، و مسیرهای زیارتی به مقصد سانتیگو دُ کمپوستلا^۱ تنها میراث‌های غیر منظره‌ی هستند که در سند نام برده شده‌اند.

سند سیاستی کمیته برنامه‌ریزی منطقه‌ای، فرهنگ پان‌اروپایی را مردود شمرده و از فرهنگ کهن تا حدودی فاصله گرفته است. این سند مدعی آن است که "کثرت فرهنگ‌ها" از ویژگی‌های بارز اروپا به‌شمار می‌آید، ادعای بنیادینی که پس از ظهور ناسیونال سوسیالیسم اروپایی پس از هیتلر مطرح شده است. این سند آشکارا بر اروپای موزه‌ای تاکید دارد:

"برنامه‌ریزی فضایی باید محافظت از میراث کهن را به‌گونه‌ای تامین کند که توسعه اقتصادی- اجتماعی به شیوه‌ی مدرن و توسعه تکنولوژیک، نتوانند در تضاد و تعارض با بنیان‌های فرهنگی قرار گیرند."

عبارت فوق به یک بیانیه بسیار محافظه‌کارانه شباهت دارد، زیرا بر اساس آن، دیدمان محافظه‌کاری فرهنگی به‌عنوان برنامه‌ریزی فضایی قلمداد می‌شود. به مفهوم روشن‌تر، هدف اجرایی بند

۳۶.۱، "میراث فرهنگی مشترک اروپا" را به مثابه همکاری‌های ملی می‌انگارد، رویکردی که ملی‌گرایان فرهنگی را هم خشنود نمی‌کند. سند برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تعریف میراث را به شرح زیر توسعه می‌دهد:

"میراث فرهنگی مفهومی است که در فراسوی میراث معماری قرار می‌گیرد و بر ارتقا و حفاظت سایر میراث‌های خاص مانند میراث‌های دریایی و زیردریایی، دریانوردی، و راه‌ها و گذرگاه‌های آبی، تاریخی و مانند آن‌ها دلالت دارد."

تضاد درونی این رویکرد و میراث قلمداد کردن کل منظر اروپایی از طریق گنجاندن معماری جدید در رده‌ی "میراث فرهنگی"، از عبارت زیر معلوم می‌شود:

"توسعه و عمران شهری نوین برای نسل‌های آینده میراث فرهنگی تلقی خواهند شد. این بدان معناست که تکاپو برای هماهنگی و ایجاد خلاقیت در مناسبات فضایی میان آثار معماری مدرن توسعه شهری و میراث کهن ادامه خواهد یافت."

این عبارت به نوعی به میراث نوین و جامعه نوین در عرصه معماری و طراحی شهری اشاره دارد که توسط پرنس چارلز در بریتانیا جا انداخته شده است. بدین سان، توسعه مفهوم میراث به "حفاظت از میراث" برای گروه‌های غیرمقیم (رانده شدگان)، به‌صورت زیر تجلی پیدا می‌کند:

در اروپای مرکزی و شرقی، عناصر بسیاری از میراث فرهنگی و تاریخی وجود دارند که به سبب جابه‌جایی‌های تاریخی، رخدادها و تغییرات خطوط مرزی، نه تنها به یک ملت بلکه به چندین ملت، و گروه‌های مذهبی (که در میان آن‌ها کسانی بوده‌اند که دیگر در آن جاها زندگی نمی‌کنند!) تعلق دارد.

بدیهی است که این‌گونه زیباپردازی در بیان مقصود به‌طور غیر مستقیم، موید واقعیت جنایات جمعی و پاک‌سازی قومی است. با وجود این، تاریخ هیچ تعهدی در بازآفرینی گذشته‌ای که از

میان رفته است، ندارد. این بیان محافظه‌کارانه مغالطه‌آمیز بر آن است تا کنیسه‌ها را در شهرهایی بنا کند که دیگر هیچ کلیمی در آن‌ها زندگی نمی‌کند. سند برنامه‌ریزی منطقه‌ای به ظاهر از یک چنین فلسفه‌ی محافظه‌کارانه‌ای پشتیبانی می‌کند.

اتحادیه‌ی اروپایی و انگاره‌ی "اروپا به‌مثابه یک پارک":

سند رقابت در زمینه ترسیم ساختار فضایی آینده هلند در سال ۱۹۸۸، تنها یک گزینه برای آن کشور در نظر گرفت — گزینه‌ای که سراسر آن سرزمین را به یک پارک تشبیه می‌نمود. این سند مدعی بود که کل کاربری اراضی هلند را می‌توان در پنج نوع پارک رده‌بندی کرد:

- پارک تفریحی/سرگرمی، شامل نواحی کشاورزی و گردشگری.
- پارک‌های منظر فرهنگی پیرامون میراث‌های روستایی، شامل سایر نواحی کشاورزی.
- پارک‌های صنعتی.
- پارک‌های منظر طبیعی.
- پارک‌های شهری.

اگرچه این دیدمان که در آن زمان در هلند به منزله‌ی شیوه‌ی برنامه‌ریزی برای آینده انگاشته شد، صورت واقعیت به خود نگرفت، اما می‌توان گفت که روندهای مورد اشاره در این دیدمان، به‌طور یقین در تدوین اصول حاکم بر سند توسعه فضایی و همچنین سند توسعه‌ی منطقه‌ای اروپایی اثرگذار بوده‌اند. سند توسعه فضایی اروپایی بر اساس هدف اولیه یعنی "مدیریت خردمندانه میراث طبیعی و فرهنگی" به گزینه‌های سیاستی زیر اشاره دارد:

- بند ۴۰- توسعه مستمر شبکه‌های زیست‌بوم اروپایی، با برقراری پیوندهای ضروری میان واحدهای طبیعت.
- بند ۴۲- تدوین استراتژی‌های توسعه فضایی یکپارچه برای نواحی حفاظت شده.

بند ۴۹- حفاظت از دشت‌های بزرگ مرطوب (آب‌خیزها).

بند ۵۰- حفاظت زیست‌بوم‌های دریایی در معرض تهدید.

این رویکرد آشکارا بر حفاظت زیست‌بوم تاکید دارد. کارزاری که از ایالات متحده آمریکا نشأت گرفته و رویکرد ایجاد پارک‌ها و باغ‌های شبیه پارک‌های طبیعی را در دستور کار خود قرار داده است. این اصطلاح به تلفیق طراحی معماری منظر و باغ‌وحش تعبیر می‌شود. صرف‌نظر از کاربرد زبان زیست‌محیطی در آن، پارک‌های جدید در اغلب موارد به قصد استفاده در طرح‌های سکونت‌گاهی برنامه‌های توسعه شهری در نظر گرفته می‌شوند. شایان توجه این‌که، لابی ناجیان طبیعت در هلند، در جرگه‌ی فعال‌ترین عوامل در زمینه تشویق ایجاد "شبکه‌های زیست‌محیطی" در سطوح برنامه‌ریزی ملی و اروپایی، قرار داشته‌اند.

یک شبکه اکولوژیک (زیست‌بومی) به معنای یک ناحیه بزرگ پارک مانند است که غالباً در برگیرنده‌ی کاربری اراضی کشاورزی واقع در میان نواحی مسکونی کم تراکم در حال توسعه است. بدیهی است، یک چنین روندی را می‌توان با استراتژی میراث (طبیعی) تلفیق کرد. حاصل این درهم‌آمیزی به‌صورت یک "پارک منظر فرهنگی" متجلی می‌شود که میراث را با طبیعت تلفیق کرده و برآیندهای آن به‌صورت پارک‌های موضوعی^۱ با تراکم کم، که خانه‌های ییلاقی را در خود جای داده‌اند، نمود پیدا می‌کنند.

برنامه‌ی توسعه فضایی اروپایی پیشنهاد می‌کند که این پارک‌ها به‌عنوان "نماد توسعه" شناخته شوند. گزینه سیاسی مطرح در بند ۳.۴.۴ این سند بر حفاظت و بالندگی خلاقانه منظرهای فرهنگی برخوردار از اهمیت تاریخی، زیبا شناختی، و زیست‌محیطی تاکید داشته و آن را "حفاظت خلاقانه از منظرهای طبیعی" قلمداد می‌کند.

سند برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای نیز بر استراتژی حفاظت زیست‌بوم تاکید می‌گذارد. این سند برای برنامه‌ریزی فضایی سه

گزینه برتر قابل شده است:

- مدیریت منابع آب
- نوسازی شبکه‌های زیست‌بوم
- حفاظت و ارتقای منظرهای طبیعی

سند برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای بر اساس استراژی پذیرفته شده در سال ۱۹۹۶ یک شبکه زیست‌محیطی پان - اروپایی را که در برگیرنده‌ی نواحی زیر است، پیشنهاد می‌کند:

- نواحی عمده
- کریدورها
- نواحی نیازمند حفاظت: عناصر آسیب‌دیده محیط‌زیست، حیات وحش، و منظرهای طبیعی اروپایی که نیاز مبرمی به مرمت و یا احیای کامل دارند.

- نواحی حایل و ضربه‌گیر

شایان توجه این‌که، با در نظر گرفتن مقیاس و مساحت اروپا، این‌گونه مجموعه‌ها ممکن است چند میلیون کیلومتر مربع از سرزمین را به خود اختصاص دهند!!

◀ راهکار تعدیل رویکرد و تغییر ساختاری برنامه‌ی توسعه‌ی فضایی اروپایی

صاحب‌نظر و کارشناسان برنامه‌ریزی فضایی (مستقل) برای برون‌رفت از تنگناها و اجتناب از برآیندهای نامطلوب ناشی از رویکرد اتحادیه اروپایی به چشم‌انداز توسعه فضایی (سند چشم انداز)، پیشنهادات ابتکاری زیرین را ارایه کرده‌اند:

وظیفه برنامه‌ریزی توسعه‌ی فضایی را می‌توان در هدف‌های ابتکاری راستین زیر خلاصه کرد:

- فراهم کردن شرایط فضایی مناسب برای نوآوری.
- جداسازی فضایی نوآوری‌ها از نیروهای محافظه‌کار.
- مقابله با ارزش‌های سنتی "مسیحی- انسان‌مدار- لیبرال" حاکم بر اروپا.

- قطع پیوندهای خاطره‌ای، سنتی، و میراثی ارتباط‌دهنده اروپا به گذشته.

- محدود کردن جامعه فرا نسلی^۱، به‌ویژه جامعه "ملت گرا".
- مبارزه با جوامع محافظه‌کار مبتنی بر هویت سنتی مرتبط با مکان‌های خاص.

- درهم شکستن ساختارهای فضایی ویژه مرتبط با انگاره‌ی "ملت- دولت"، و تسهیل تشکیل دولت‌های مبتکر و نوآور در درون اتحادیه.

- مقابله با اثرات (منفی) نیروهای بازار.
- کاهش میزان و اثرات فضایی هزینه‌های معاملاتی در اقتصادهای بازار، به‌ویژه بخش خدمات مالی دچار تورم.

- پایان دادن به گرایش فراز- آتلانتیک اروپایی، که در طول تاریخ با تسلط جهانی ایالات متحده آمریکا همراه بوده است.
- مقابله با اثرات فضایی ناشی از نفوذ قدرت نخبگان.

- باز توزیع ثروت و درآمد، به‌ویژه با انتقال درآمدها به اروپای شرقی.

- تسهیل تدوین طرح توسعه‌ی قاره‌ای برای اروپا (متناظر با "طرح توسعه شهری" قاره اروپا).

چگونگی تعدیل و بهینه‌سازی اصول توسعه فضایی (مصوب) برای قاره اروپا:

ایراد کار در این است که، هردو پیشنهاد ذکر شده، به‌صورتی محافظه‌کارانه تنظیم و تدوین شده‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد تنها با ارایه‌ی گزینه‌های کارایی در زمینه‌های ساختاری، پرسنلی، اخلاقی و اصول و مبانی شناخته شده، می‌توان هر دو پیشنهاد را نقد کرده و آن‌ها را به چالش کشید. بی‌تردید، هر پیشنهادی کم‌مایه‌تر از این، به معنای پذیرش بی‌چون چرای فلسفه‌ی محافظه‌کارانه هردو سند تلقی خواهد شد. به همین دلیل، گزینه‌های مبتکرانه‌ای برای هر یک از بخش‌های این دو سند

شهرها باید مظهر و تجلی‌گاه "تحول" باشند.

سیاست ابتکاری پیشنهادی ضد لیبرال برای اتحادیه اروپایی:

اصول "ضد پدیداری" و مخالف آرمان‌گرایی نوین با بنیان فلسفی لیبرالیسم در تضاد است. ایجاد شهرها و منطقه‌های ایده‌آل (کمال مطلوب) یک ضرورت است. ایده‌آل بودن مترادف با "محصول ایده‌آل‌ها بودن" است و به معنای "محصول تعامل نیروهای بازار" و یا "محصول دموکراتیک بودن فرایند"، نیست. ازاین رو، نباید اجازه داده شود که نیروهای بازار از طریق فرایند لیبرال دموکراسی مانع از ایجاد شهرهای ایده‌آل شوند. بر همین اساس، نباید اجازه داده شود ساختار فضایی ناشی از تعامل نیروهای بازار در اروپا شکل گرفته و شرایطی فراهم شود که نیروهای بازار از طریق سیاست فضایی بر جوامع اروپایی مسلط گردند.

اروپا می‌بایست در برابر نیروهای وارده از اقتصاد بازار خارج از اروپا، حفاظت شده و تجارت در بخش‌هایی که با مدل اقتصادی نئولیبرال در ارتباط است، باید محدود شده و به‌ویژه، اقتصاد اروپا باید از قید استیلای بخش خدمات خدمات مالی جهانی رهایی یابد.

دیدمان ابتکاری پیشنهادی در زمینه‌ی "ملت-دولت"ها:

دیدمان "ملت-دولت" باید منسوخ شناخته شود. در عصر حاضر، فرم "ملت-دولت" یک شکل منطقی از دولت به شمار نمی‌آید و هیچ ملت-دولتی را نمی‌توان مشروع قلمداد کرد. به همین دلیل، ملت-دولت‌های اتحادیه اروپایی مشروع نبوده و می‌بایست با نظم جغرافیایی نوینی در درون اروپا جایگزین شوند. این گونه جایگزینی را می‌توان به "سیاست فضایی" تعبیر کرد. فرم ملت-دولت‌های کنونی اتحادیه اروپایی، چه در مقیاس بزرگ و چه در مقیاس خرد، نباید با انواع مشابه آن جایگزین شود و هیچ‌گونه سیاست توسعه‌ی فضایی نباید از آرمان جامعه ملی، منطقه‌ای، یا محلی (که ضد یکپارچگی است)، پشتیبانی کند.

ارایه شده است. گزینه‌هایی که به دور از امکان‌سنجی در شرایط و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی کنونی، عرضه شده‌اند. طرح برنامه چشم‌انداز توسعه فضایی اروپایی و سند برنامه توسعه منطقه‌ای اروپا، و سیاست‌های مربوط در اتحادیه اروپایی را می‌توان با پذیرش اصول ساده هفت‌گانه پیشنهادی زیر به‌عنوان واقعیت‌های محض، تعدیل و بهینه‌سازی کرد:

- وجود جاده‌ها و خودروهای کافی در اروپا
- وجود شرایط طبیعی کافی در اروپا
- وجود پارک‌های کافی در اروپا
- وجود میراث کافی در اروپا
- وجود فرهنگ کافی در اروپا
- وجود کسب و کار و کار آفرینان کافی در اروپا
- وجود شرایط مناسب برای آزادی مهاجرت در اروپا

استراتژی پیشنهادی در زمینه‌ی برآیند سیاست‌گذاری توسعه‌ی شهری:

به نظر می‌رسد که استراتژی‌های کلی مطرح شده در هر دو سند اتحادیه اروپایی باید کنار گذاشته شده و به جای آن‌ها استراتژی مبتنی بر افزایش تراکم اسکان شهری، ایجاد خطوط ریلی بیش‌تر و احداث شهرهای "ایده‌آل" (کمال مطلوب) مد نظر قرار گیرد. بی‌تردید، از آنجا که میزان تراکم سکونتی در اتحادیه اروپایی بسیار پایین است، لذا تراکم مراکز شهری در اتحادیه می‌بایست معادل تراکم سکونتی "پاریس مرکزی" باشد. با افزایش تراکم سکونتی به میزان ده برابر وضعیت موجود (در برخی از نواحی) که به معنای احداث شهرهای جدید است، می‌توان سیاست توسعه شهری معطوف به ساخت شهرهای جدید را در دستور کار قرار داد. از منظر طراحی بهینه، شهرهای جدید می‌بایست "ایده‌آل" بوده و تحت تاثیر فعالیت‌های دلخواه و نیروهای بازار شکل نگیرند. اجرای طرح‌های توسعه شهری باید به‌گونه دموکراتیک اما مصون از "حق وتو" باشد، زیرا دموکراتیک بودن سیاست توسعه شهری به معنای متوقف ساختن تجربه و یا جلوگیری از ابتکارات نیست.

سیاست ابتکاری پیشنهادی در زمینه‌ی مهاجرت:

مهاجرت به نقاط دوردست در داخل اتحادیه اروپایی نباید نادرست انگاشته شود. بر عکس، این موضوع باید مورد تشویق قرار گرفته و سرانجام، دیدمان "ملت- دولت" را درهم شکند. مهاجرت از روستاها (نواحی پرجمعیت روستایی) باید مورد حمایت قرار گیرد. چنانچه مهاجرت به نقاط دوردست مسبب "بی ثباتی" در نواحی روستایی انگاشته شود، این خود یک دلیل منطقی برای حمایت از مهاجرت به شمار خواهد آمد. با برقراری اولویت برای استخدام مهاجران می‌توان مهاجرت را تشویق کرد. کاهش نرخ مهاجرت به نقاط دوردست را باید به‌عنوان یک واقعیت محض پذیرفت. مهاجرت صدها میلیون نفر از آفریقا و آسیا در آینده الزام آور خواهد شد و اروپا از آن میان باید سهمی را برای خویش (در قرن ۲۱) در نظر گیرد.

سیاست ابتکاری پیشنهادی در زمینه‌ی تراکم جمعیت در اروپا:

"تفاوت در تراکم جمعیتی باید به‌عنوان یک اصل بنیادین مورد تاکید قرار گیرد."!

جلوگیری از مهاجرت جمعیت نواحی روستایی با تراکم جمعیتی پایین به هیچ روی صلاح نیست و هیچ‌گونه برنامه یا طرحی برای کاهش نرخ آن و یا وارونه کردن روند آن نباید تهیه و تدوین شود. بر عکس، کوچ از روستاها به شهرها باید تشویق گردیده و مورد پشتیبانی قرار گیرد، به‌ویژه در مناطقی که تراکم و پراکنش جمعیت روستایی بالاتری داشته و به نواحی شهری مناسبی دسترسی ندارند. به بیان دیگر، چون شهرک‌های موجود کوچک بوده و نمی‌توانند سرریزهای جمعیت روستایی را در خود جذب کنند، لذا گزیری جز افزایش جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستایی باقی نمی‌ماند. برای جبران این عدم تعادل، تراکم سکونت شهری در اروپا به ناگزیر باید افزایش پیدا کرده و

رابطه‌ی "روستا- شهری" بدین‌سان منطقی گردد.

پیشنهاد می‌شود روستاهایی که تراکم جمعیت آن‌ها زیر ۲ نفر در کیلومتر مربع است و نگهداشت دائمی محل سکونت در آن‌ها به‌عنوان یک هدف الزامی نیست، برنامه‌ی ویژه‌ای برای خود تدوین کنند. به عبارت دیگر، متروکه شدن این‌گونه نواحی پدیده‌ای اجتناب ناپذیر است. این روزها، پدیده‌ی توسعه مناطق پیرامونی^۱، دیدمان نادرستی تلقی نمی‌شود زیرا فزایش قابلیت دسترسی به معنای احداث جاده‌های بیش‌تر نیست. اما دلیلی ندارد که "دسترسی از بروکسل (مرکز اداری اتحادیه) به اغلب مراکز جمعیتی ظرف ۴۵ دقیقه"، یک هدف الزامی قلمداد شود. افزایش سرعت دسترسی به مراکز شهری با کنار گذاشتن توسعه خطوط ریلی منافات داشته و می‌بایست اتحادیه از این رویکرد صرف‌نظر کند.

سیاست ابتکاری پیشنهادی در زمینه‌ی شیوه‌ی ترابری اروپایی:

تعداد خودروهای شخصی در اروپا باید کاهش یابد و در وهله‌ی نخست باید تعداد ۳۰ میلیون خودرو از گردونه ترابری اروپا خارج شوند. از آنجا که برای پذیرش و تصویب دمکراتیک این معیار در اروپا فرصت مناسبی وجود ندارد، لذا در تصویب این‌گونه معیار باید از روش دمکراتیک اجتناب شود و اجرای آن نیز نباید در معرض چالش سیاسی یا حقوقی قرار گیرد. در صورت لزوم، مخالفت دولتی با این معیار باید غیر قانونی اعلام شود.

برای سوخت خودرو نیز باید قیمت واحد تعیین شده و افزون بر این، در نواحی شهری نیز باید عوارض دروازه‌ای جدیدی وضع شود. در هر حال، مرحله‌ی نخست محدود ساختن تردد خودروها باید با کاهش شمار وسایل نقلیه موتوری توأم گردد و استفاده از خودرو (از طریق بستن مسیرهای تردد و تنگ‌تر کردن گذرگاه‌های اصلی وسایل نقلیه موتوری در نواحی شهری)

ازل، ذخایر طبیعی کافی و پارک در اروپا وجود داشته است. از این رو دلیلی برای گسترش این گونه نواحی در اروپا نمی‌توان پیدا کرد و ایجاد پارکی در مقیاس قاره‌ای اروپا توهمی بیش نیست و هرگز نباید چنین طرحی تدارک دیده شود.

منابع:

- خلیل‌زاده رضایی، قاسم، "اصول برنامه‌ریزی اقتصاد فضایی" (آمایش سرزمین)، ویراست دوم، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین- سازمان برنامه و بودجه، تابستان ۱۳۶۰
- Proff. Stanislaw M. Zawadzky, "The principles of Planned Action in Space", The committee of Space Economy and Regional Planning, Warsaw Poland, 1978
- مطالب برداشت شده از اینترنت:
- Spatial development principles for the European Continent.
- The defects of European Spatial Planning.
- European spatial development perspective towards balanced and sustainable development of the EU. Potsdam, 10/11/ 1999
- European spatial planning: Liepzig, 21/22 September 1994.
- European spatial development policy in Maastricht III, 1997.
- Towards a new European space/ 1995, Hannover.
- Perspectives in Europe: exploring options for a European spatial policy for North Western Europe, 1991.
- European Union Spatial Policy and Planning: P.William, London, 1996
- Euro- megalopolis or Thempark Europe?
- Senarios for European spatial development, 1996.

به‌طور جدی محدود شود. مراتب پیشنهادی زیر می‌تواند به رفع کاستی‌های ترابری اروپایی کمک کند:

- احداث ۷۰۰۰۰ کیلومتر خطوط ریلی جدید و خطوط ارتباطی جانبی آن (یک کیلو متر به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت)
- بهینه‌سازی ۷۰۰۰۰ کیلومتر خطوط ریلی موجود (یک کیلومتر به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت)
- ساختن ۲۵۰۰۰ کیلومتر سامانه‌های گذرگاهی جدید غیرجاده‌ای (مانند مترو، خط ریلی روزمینی سبک و....) در نواحی بزرگ شهری (یک کیلومتر به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت)

پیشنهاد رویکردی نوآورانه در مقابله با انگاره‌ی میراث اروپایی:

"اروپا یک موزه نیست!!"

"میراث" را باید به‌مثابه یک پسماند خطرناک قلمداد کرد. طرح‌های میراث‌زدایی باید به‌عنوان ضروری‌ترین مولفه‌های برنامه‌ریزی فضایی تلقی شوند، به‌ویژه میراث ملی که یکی از عناصر تفکیک‌ناپذیر ملی‌گرایی شیطانی است و تنها راه‌هایی از آن اقدام به ناسیونالیسم‌زدایی از اروپا بر اساس اولویت است. ناسیونالیسم‌زدایی باید با زدودن بناهای یادمان ملی^۱ آغاز شود. بر اساس اهداف بلندمدت اتحادیه اروپایی، نباید اجازه داده شود که گروه‌های ملی و مذهبی در تکاپوی برقراری پیوند با میراث خویش برآیند. انتقال این گونه میراث‌ها به خارج از محدوده اروپایی می‌تواند گزینه‌ای قابل پذیرش در کمک به تحقق این هدف به شمار آید.

سیاست ابتکاری پیشنهادی برای مقابله با انگاره‌ی "اروپا پای به مثابه یک پارک":

هیچ‌گونه توجیهی برای اختصاص هزاران، بلکه میلیون‌ها کیلومتر مربع از سرزمین اروپایی به یک "لایه خاص" وجود ندارد. از روز

گروه بین‌المللی ره‌شهر تا کنون ۱۳۶ نشریه با عناوین زیر منتشر کرده

است:

- ۱- کاربرد جدید شیشه در نمای ساختمان (تابستان ۱۳۷۱)
- ۲- پارکینگ مراکز تجاری (پائیز ۱۳۷۱)
- ۳- محافظت در مقابل زلزله (زمستان ۱۳۷۱)
- ۴- جمع آوری و دفع زباله و مسائل ناشی از آن (زمستان ۱۳۷۱)
- ۵- طرح اسکان و سریع (زمستان ۱۳۷۱)
- ۶- مجموعه مقالات راجع به ژئوسنتز (بهار ۱۳۷۲)
- ۷- مهار آب با آب (بهار ۱۳۷۲)
- ۸- تحول سبز در معماری (بهار ۱۳۷۲)
- ۹- رونمایی و مدیریت سیلاب (بهار ۱۳۷۲)
- ۱۰- مطالعات اقتصادی جهت احداث مراکز خرید (تابستان ۱۳۷۹)
- ۱۱- نگاهی کوتاه بر طراحی فضای سبز - «تجربیات کشورهای مختلف» (تابستان ۱۳۷۲)
- ۱۲- بازیافت آب در صنایع شن و ماسه‌شویی (پائیز ۱۳۷۲)
- ۱۳- بناهای چوبی (کنده‌ای) در ایران و تجربیات کشورهای دیگر (پائیز ۱۳۷۲)
- ۱۴- نکاتی در مورد طراحی ساختمان‌های بتنی پیش‌ساخته پیش‌تنیده در مناطق زلزله‌خیز (پائیز ۱۳۷۲)
- ۱۵- اتوماسیون و بهینه‌سازی در سیستم‌های توزیع الکتریکی (زمستان ۱۳۷۲)
- ۱۶- انرژی دریاها (زمستان ۱۳۷۲)
- ۱۷- پارکینگ‌های مکانیکی اتوماتیک و نیمه اتوماتیک (بهار ۱۳۷۳)
- ۱۸- انرژی باد (بهار ۱۳۷۳)
- ۱۹- اصول طراحی ساختمان‌های اداری و بانک‌ها (بهار ۱۳۷۳)
- ۲۰- انرژی خورشیدی (بهار ۱۳۷۳)
- ۲۱- طراحی مرکز خرید- جلد اول: مطالعات مقدماتی جهت طراحی مراکز خرید (تابستان ۱۳۷۳)
- ۲۲- شهر سالم با آمورتون (تابستان ۱۳۷۳)
- ۲۳- شهر سالم - کاربرد سیستم‌های فتوولتائیک از میلی وات تا مگاوات (تابستان ۱۳۷۳)
- ۲۴- شهر سالم- اصول طراحی برای افراد دارای کهلوت، ناتوانی، اختلال و معلولیت (تابستان ۱۳۷۳)
- ۲۵- نسل چهارم نیروگاه‌ها (پائیز ۱۳۷۳)
- ۲۶- بازیافت آب در صنایع نساجی (پائیز ۱۳۷۳)
- ۲۷- مراکز درمانی و بیمارستان‌های آینده (پائیز ۱۳۷۳)
- ۲۸- شهر سالم- انبوه‌سازی (انبوه‌سازان اسکان) (زمستان ۱۳۷۳)
- ۲۹- سیستم‌های مدیریت بار و مدیریت انرژی در شبکه‌های انرژی الکتریکی (زمستان ۱۳۷۳)
- ۳۰- بازیافت آب - «تصفیه پساب صنایع لبنی» (بهار ۱۳۷۴)

- ۳۱- شهر سالم - صنعت چوب و کاغذ و نقش آن در فرهنگ، اقتصاد و سیاست (بهار ۱۳۷۴)
- ۳۲- صرفه‌جویی انرژی در ساختمان‌های مسکونی (بهار ۱۳۷۴)
- ۳۳- شهر سالم- معماری و پرورش فکری کودکان و نوجوانان (تابستان ۱۳۷۴)
- ۳۴- شهر سالم- بازیافت زباله و مصالح ساختمانی و نقش آن در حفظ خاک و پاکسازی محیط (پائیز ۱۳۷۴)
- ۳۵- شهر ما کجاست (زمستان ۱۳۷۴)
- ۳۶- حفاظت سواحل دریا و رودخانه‌ها- معرفی روش‌های سنتی و پیشرفته (زمستان ۱۳۷۵)
- ۳۷- بهینه‌سازی آموزش عالی - نگاهی کوتاه بر کارکرد نظام آموزشی ایران و جهان (زمستان ۱۳۷۵)
- ۳۸- استفاده از ژئوگرید در راه‌ها و باند فرودگاه‌ها (بهار ۱۳۷۶)
- ۳۹- اقتصاد گردشگری (جلد اول) (زمستان ۱۳۷۶)
- ۴۰- نگرش‌هایی نوین به طراحی فضای باز اداری (تابستان ۱۳۷۷)
- ۴۱- اقتصاد گردشگری جلد دوم (فصول سوم و چهارم) (زمستان ۱۳۷۷)
- ۴۲- فهرست مطابقه‌ای عملیات اجرایی جهت تسهیل در امر نظارت (پائیز ۱۳۷۸)
- ۴۳- دانسته‌هایی در مورد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در جهان (پائیز ۱۳۷۸)
- ۴۴- هدایت منابع مالی و فنی غیر دولتی جهت اجرای طرح‌های عمرانی (زمستان ۱۳۷۸)
- ۴۵- پژوهش در تاریخچه، مفهوم و سیر تحول شهرسازی و شهر سالم در فرهنگ ایران و اسلام (زمستان ۱۳۷۸)
- ۴۶- پارک انرژی‌های نو (تابستان ۱۳۷۹)
- ۴۷- فضاهای باز اداری - مدیریت تجهیزات و طراحی داخلی (پائیز ۱۳۷۹)
- ۴۸- شهرک ترافیکی کودکان (زمستان ۱۳۷۹)
- ۴۹- فضای باز اداری - استانداردهای طراحی فضاهای اداری جدا کننده‌ها، قطعات و اتصالات (زمستان ۱۳۷۹)
- ۵۰- فضای سبز- مناطق صنعتی- پارک‌های صنعتی (تابستان ۱۳۸۰)
- ۵۱- تنظیم شرایط محیطی- بخش اول: استانداردهای عملکرد حسی- جلد اول: محیط روشنایی (پاییز ۱۳۸۰)
- ۵۲- تنظیم شرایط محیطی- بخش اول: استانداردهای عملکرد حسی- محیط‌های صوتی و حرارتی (پاییز ۱۳۸۰)
- ۵۳- منظر سازی - جلد اول: طراحی کاشت (زمستان ۱۳۸۰)
- ۵۴- منظر سازی - جلد دوم: آبیاری و نگهداری منظر (زمستان ۱۳۸۰)
- ۵۵- تنظیم شرایط محیطی- بخش دوم: سیستم‌های کنترل محیط- جلد اول: تولید و کنترل حرارت (زمستان ۱۳۸۰)
- ۵۶- تنظیم شرایط محیطی- بخش دوم: سیستم‌های کنترل محیط- جلد دوم: تولید و کنترل نور و صدا (زمستان ۱۳۸۰)
- ۵۷- منظر سازی- جلد سوم: راهبردهای تکمیلی آراستن مناظر (بهار ۱۳۸۱)

- ۵۸- تنظیم شرایط محیطی- بخش دوم: سیستم‌های کنترل محیط- جلد سوم: سیستم جامع محیطی (تابستان ۱۳۸۱)
- ۵۹- شهر سالم- توسعه (کلان شهر تهران) (تابستان ۱۳۸۱)
- ۶۰- فن‌آوری اطلاعات- بخش اول: مفاهیم کلی (پائیز ۱۳۸۱)
- ۶۱- منظرسازی- جلد چهارم (زمستان ۱۳۸۱)
- ۶۲- فن‌آوری اطلاعات- بخش دوم: مدیریت فن‌آوری اطلاعات (زمستان ۱۳۸۱)
- ۶۳- فن‌آوری اطلاعات- بخش سوم: تجارت الکترونیکی (بهار ۱۳۸۲)
- ۶۴- فن‌آوری اطلاعات- بخش چهارم: تجارت الکترونیکی «امنیت و تجارت بی‌سیم» (تابستان ۱۳۸۲)
- ۶۵- ساختمان‌های سبز و پایدار (تابستان ۱۳۸۲)
- ۶۶- فن‌آوری اطلاعات- بخش پنجم: دولت الکترونیکی (تابستان ۱۳۸۲)
- ۶۷- منظرسازی- جنگل‌های مانگرو (حرا): بخش اول- کلیات (پائیز ۱۳۸۲)
- ۶۸- فن‌آوری اطلاعات- بخش ششم: بازاریابی الکترونیکی (پائیز ۱۳۸۲)
- ۶۹- فن‌آوری اطلاعات- بخش هفتم: شهرداری الکترونیکی (زمستان ۱۳۸۲)
- ۷۰- فن‌آوری اطلاعات- بخش هشتم: آموزش الکترونیکی (بهار ۱۳۸۳)
- ۷۱- فن‌آوری اطلاعات- بخش نهم: دانشگاه الکترونیکی (بهار ۱۳۸۳)
- ۷۲- فن‌آوری اطلاعات- بخش دهم: سیستم‌های اطلاعاتی مدیریتی ساختمان (تابستان ۱۳۸۳)
- ۷۳- فن‌آوری اطلاعات- بخش یازدهم: دانشگاه الکترونیکی (پائیز ۱۳۸۳)
- ۷۴- فن‌آوری اطلاعات- بخش دوازدهم: مدیریت پرونده‌های الکترونیکی (زمستان ۱۳۸۳)
- ۷۵- فن‌آوری اطلاعات- بخش سیزدهم: دموکراسی الکترونیکی (زمستان ۱۳۸۳)
- ۷۶- فن‌آوری اطلاعات- بخش چهاردهم: انتخابات الکترونیکی (زمستان ۱۳۸۳)
- ۷۷- فن‌آوری اطلاعات- بخش پانزدهم: حقیقت مجازی (تابستان ۱۳۸۴)
- ۷۸- برگزاری مناقصه‌های دولتی (تصویب شده سال ۱۳۸۳) (تابستان ۱۳۸۴)
- ۷۹- چین دومین مصرف‌کننده انرژی در جهان (تابستان ۱۳۸۴)
- ۸۰- مدیریت پروژه- استانداردهای مدیریت پروژه (بخش اول: تابستان ۱۳۸۴)
- ۸۱- فن‌آوری اطلاعات- بخش شانزدهم: توسعه فن‌آوری اطلاعات در روستاها (عدالت اجتماعی) (پائیز ۱۳۸۴)
- ۸۲- فن‌آوری اطلاعات- بخش هفدهم: مدیریت ارتباط با مشتریان (پائیز ۱۳۸۴)
- ۸۳- مدیریت پروژه- استانداردهای مدیریت پروژه (بخش دوم: زمستان ۱۳۸۴)
- ۸۴- مهندسی ارزش- بخش اول: اصول، مبانی و فرآیند (زمستان ۱۳۸۴)
- ۸۵- مدیریت پروژه- استانداردهای مدیریت پروژه (بخش سوم: زمستان ۱۳۸۴)
- ۸۶- فن‌آوری اطلاعات- بخش هجدهم: پایتخت الکترونیکی- تجلی عدالت اجتماعی (تابستان ۱۳۸۵)
- ۸۷- مدیریت پروژه- دفتر مدیریت پروژه (بخش اول- تابستان ۱۳۸۵)
- ۸۸- متدولوژی‌های کنترل پروژه (تابستان ۱۳۸۵)
- ۸۹- صنایع انرژی‌بر، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها (تابستان ۱۳۸۵)
- ۹۰- آشنایی مقدماتی با ارزیابی محیط زیست (پائیز ۱۳۸۵)
- ۹۱- آشنایی با فرآوری‌های گازی CNG، LPG، LNG (زمستان ۱۳۸۵)
- ۹۲- رهنمون‌هایی برای توسعه (زمستان ۱۳۸۵)
- ۹۳- خبرنامه تحولات توسعه در حوزه خلیج فارس (بهار ۱۳۸۶)
- ۹۴- متدولوژی مکان‌یابی صنایع (تابستان ۱۳۸۶)
- ۹۵- خبرنامه تحولات توسعه در حوزه خلیج فارس (جلد دوم) (تابستان ۱۳۸۶)
- ۹۶- خبرنامه تحولات توسعه در حوزه خلیج فارس (جلد سوم) (تابستان ۱۳۸۶)
- ۹۷- معماری سبز، (انرژی آفتاب در معماری) (پائیز ۱۳۸۶)
- ۹۸- معماری سبز، (انرژی زمین گرمایی) (پائیز ۱۳۸۶)
- ۹۹- روند توسعه در خلیج فارس (نسخه چهارم) (پائیز ۱۳۸۶)
- ۱۰۰- ایران ترانزیت (بهار ۱۳۸۷)
- ۱۰۱- سوپر جاذب‌ها (راهی برای گسترش فضای سبز و مقابله با کمبود آب) (تابستان ۱۳۸۷)
- ۱۰۲- روند توسعه در خلیج فارس و دریای عمان بخش پنجم (تابستان ۱۳۸۷)
- ۱۰۳- روند توسعه در خلیج فارس و دریای عمان بخش ششم (پائیز ۱۳۸۷)
- ۱۰۴- بام سبز (پائیز ۱۳۸۷)
- ۱۰۵- احداث سامانه‌های گرمایش شهری (اردیبهشت ۱۳۸۸)
- ۱۰۶- روند توسعه در خلیج فارس و دریای عمان بخش هفتم (خرداد ۱۳۸۸)
- ۱۰۷- بحران جهانی و چشم انداز آینده (تابستان ۱۳۸۸)
- ۱۰۸- حمل و نقل همگانی (تابستان ۱۳۸۸)
- ۱۰۹- نانوفناوری ایمن (فرصت‌ها و چالش‌ها) (تابستان ۱۳۸۸)
- ۱۱۰- از شهر فرودگاهی تا منطقه فرودگاهی (بخش اول)
- ۱۱۱- از شهر فرودگاهی تا منطقه فرودگاهی (بخش دوم)
- ۱۱۲- بندر خشک (پائیز ۱۳۸۸)
- ۱۱۳- شرق ایران خاستگاه توسعه ترانزیت منطقه‌ای (پائیز ۱۳۸۸)
- ۱۱۴- صنعتی سازی ساختمان گامی بلند برای تامین مسکن مردم (زمستان ۱۳۸۸)
- ۱۱۵- مدیریت هوشمند خوردگی، حفاظت کاتدیک، حفظ ثروت ملی (بهار ۱۳۸۹)
- ۱۱۶- بیوگاز ثروتی نهفته در پسماندها (بهار ۱۳۸۹)
- ۱۱۷- اکوهتل حرکتی جهانی به سوی گردشگری پایدار (تابستان ۱۳۸۹)
- ۱۱۸- فتوولتائیک تلفیقی، انرژی در کالبد معماری (تابستان ۱۳۸۹)
- ۱۱۹- اصلاح الگوی استقرار جمعیت، گامی به سوی توسعه پایدار (پائیز ۱۳۸۹)
- ۱۲۰- نانوفناوری در معماری (زمستان ۱۳۸۹)
- ۱۲۱- مدیریت حمل بار، گامی بلند در جهت توسعه اقتصادی کشور (زمستان ۱۳۸۹)
- ۱۲۲- بازار مسافر هوایی بین‌المللی، گامی بلند در جهت توسعه اقتصادی کشور (زمستان ۱۳۸۹)
- ۱۲۳- نقش طراحی معماری در کاهش مصرف انرژی در ساختمان «معماری همساز با اقلیم و مشکلات ناشی از عدم توجه به آن» (بهار ۱۳۹۰)

- ۱۲۴- شهر فرودگاهی بستر توسعه گردشگری، گامی بلند در جهت توسعه پایدار اقتصاد کشور (بهار ۱۳۹۰)
- ۱۲۵- ارایه ضوابط و پیشنهادات طراحی برای افراد دارای کپولت، ناتوانی، اختلال و معلولیت در بخش زمینی فرودگاه (بهار ۱۳۹۰)
- ۱۲۶- نقش طراحی معماری در کاهش مصرف انرژی در ساختمان «نور روز در معماری» (تابستان ۱۳۹۰)
- ۱۲۷- شهر فرودگاهی بستر توسعه تجارت، چشم‌انداز تجارت جهانی، چالش‌ها و فرصت‌های ایران (تابستان ۱۳۹۰)
- ۱۲۸- توسعه صنایع نوین، گامی بلند در جهت توسعه اقتصادی کشور «شهر فرودگاهی بستری مناسب برای استقرار صنایع نوین» (تابستان ۱۳۹۰)
- ۱۲۹- نقش طراحی معماری در کاهش مصرف انرژی در ساختمان «انرژی باد در معماری» (تابستان ۱۳۹۰)
- ۱۳۰- روند خصوصی‌سازی فرودگاه‌ها در جهان (پاییز ۱۳۹۰)
- ۱۳۱- شهر فرودگاهی بستری مناسب برای توسعه ورزش ملی و بین‌المللی «شهر ورزشی» (پاییز ۱۳۹۰)
- ۱۳۲- معرفی پاک‌کننده‌های طبیعی و سازگار با محیط‌زیست «بخش اول» (بهار ۱۳۹۱)
- ۱۳۳- معرفی پاک‌کننده‌های طبیعی و سازگار با محیط‌زیست «بخش دوم» (بهار ۱۳۹۱)
- ۱۳۴- معرفی پاک‌کننده‌های طبیعی و سازگار با محیط‌زیست «بخش سوم» (تابستان ۱۳۹۱)
- ۱۳۵- شهر فرودگاهی بستری مناسب برای توسعه صنایع دستی (تابستان ۱۳۹۱)
- ۱۳۶- خطاهای انسانی؟ حوادث سازمانی! (پاییز ۱۳۹۱)

نشریه‌های تخصصی منتشر شده بخش‌های مختلف گروه بین‌المللی ره‌شهر

- ۱- بازارچه صنایع دستی در کوهپایه‌های شمال تهران (بخش شهر سالم) تیر ماه ۱۳۷۴
- ۲- بهینه‌سازی خدمات پرواز (بخش شهر سالم) - (دی ماه ۱۳۷۳)
- ۳- بهینه‌سازی بار ترافیکی بزرگراه‌ها (بخش شهر سالم) (دی ماه ۱۳۷۳)
- ۴- پارک انرژی‌های نو (بخش شهر سالم) - (شهریور ماه ۱۳۷۳)
- ۵- استفاده از مولتی ویزن در مراکز پرتردد شهری (بخش شهر سالم) (اردیبهشت ماه ۱۳۷۳)
- ۶- سازماندهی کارکردهای بهینه‌ی نمایشگرهای دیجیتالی (بخش شهر سالم) اسفند ماه ۱۳۷۲
- ۷- شهرک ترافیکی کودکان (بخش شهر سالم) - (آذر ماه ۱۳۷۲)
- ۸- پارک پویش: اندیشه سالم / بدن سالم در شهرک فاطمیه منطقه ۲۰ شهرداری تهران (بخش شهر سالم) - (آذر ماه ۱۳۷۲)
- ۹- پژوهش در تاریخچه، مفهوم و سیر تحول «شهرسازی» و «شهر سالم»

- در فرهنگ ایران واسلام (بخش شهر سالم) - آبان ماه ۱۳۷۲
- ۱۰- اصول طراحی مراکز دیسپاچینگ (بخش انرژی) زمستان ۱۳۷۲
- ۱۱- تحلیل منطقه‌ای سیلاب در حوضه‌های شمالی تهران (بخش عمران آب) بهار ۱۳۷۳
- ۱۲- انتخاب محل و نوع سد براساس شرایط ژئومورفولوژی و ژئولوژی (بخش عمران آب) زمستان ۱۳۷۲
- ۱۳- حقایقی در مورد شرکت‌های بزرگ (بخش تحقیق و توسعه) زمستان ۱۳۷۲

ضمنا کتاب‌های زیر توسط گروه بین‌المللی ره‌شهر منتشر گردیده است:

- ۱- مواد هوشمند و فناوری نانو (کاربرد در معماری و طراحی داخلی) (۱۳۹۰)
- ۲- منظرسازی پایدار برای همه (پاییز ۱۳۹۰)
- ۳- ترجمه کتاب شهرهای فرودگاهی قرن ۲۱ (۱۳۹۰)
- ۴- کتاب آموزش نرم‌افزار Revit architecture 2009 (۱۳۸۹)
- ۵- آشنایی با راهکار مدیریت پروژه جامع (بهار ۱۳۸۹)
- ۶- درختان در منظر شهری (۱۳۸۹)
- ۷- نانوفناوری برای همه (۱۳۸۷)
- ۸- با گیاهان آب را تصفیه کنیم
- ۹- HSE در سفر (۱۳۸۵)
- ۱۰- ترجمه کتاب «چگونه هوای پاکیزه بکاریم»
- ۱۱- ترجمه کتاب «تنظیم شرائط محیطی»
- ۱۲- تدوین کتاب راهنمای برنامه‌نویسی سه بعدی OpenGL (۱۳۸۲)
- ۱۳- ترجمه کتاب «برنامه‌ریزی و طراحی هتل» در سال ۷۶ توسط سازمان برنامه و بودجه چاپ و توزیع شد.
- ۱۴- تدوین کتاب «خودآموز اتوکد ۱۲» (۱۳۷۳)
- ۱۵- ترجمه کتاب «سازه‌های آبی» (۱۳۷۳)
- ۱۶- ترجمه کتاب «سازه پارکینگ‌های طبقاتی» (۱۳۷۲)
- ۱۷- صرفه جویی در انرژی (۲۰ جلد)
- ۱۸- بازنگری استانداردهای صنعت آب کشور با همکاری وزارت نیرو و سازمان برنامه و بودجه (۲۵ جلد)

کتاب‌های زیر نیز توسط گروه بین‌المللی ره‌شهر در دست چاپ است:

- ۱- طراحی، برنامه‌ریزی و ساخت هتل‌ها
- ۲- برنامه‌ریزی شهری در اقلیم‌های گرمسیر
- ۳- بام سبز